



سیرا آغاز



سیامک شادکام

کشور را  
 واگسینه کنیم

«فشار اقتصادی دشمنان و آمادگی کشور برای جهش» دو کلید واژه‌ای بودند که توسط مقام معظم رهبری دلیل روی آوری به اقتصاد مقاومتی مطرح گردید. واژه‌ی اقتصاد مقاومتی اولین بار، شهریور سال ۸۹ در دیدار معظم له با کارآفرینان عنوان گردید. مانند همیشه وقتی رهبری راه را نشان می‌دهند تحلیل‌های بسیاری پیرامون اقتصاد مقاومتی ارائه گردید اما شاید جامع‌ترین تعریف، تعریفی باشد که ایشان سال ۹۱ در دیدار با دانشجویان ارائه دادند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.»

مقام معظم رهبری امسال را سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل نامیده‌اند. به عقیده تحلیل‌گران این نامگذاری دلایل بسیاری دارد. اینکه این بار بر روی اقدام و عمل تاکید کرده‌اند یعنی اینکه ما در این چند سالی که مطالبه ایشان اقتصاد مقاومتی بوده عمل در خور و شایسته‌ای نکرده‌ایم. از دید مقام معظم رهبری عمل به اقتصاد مقاومتی کشور را در مقابل توطئه‌های دشمنان واگسینه می‌کند. حتی در دورانی که به گفته برخی دوران پساتحریم است باز هم تاکیدات ایشان بر روی اقتصاد مقاومتی زیاد می‌باشد. شاید کمتر کسی باور کند که دشمنی آمریکا و غرب با ما فقط به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای است. این دشمنی‌های دلیل اصلی‌اش آرمان‌ها و مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از این رو تاکید بر اقتصاد مقاومتی در شرایط حاضر به این دلیل است که ما به هیچ وجه اعتمادی به آمریکا نداریم و اگر از راه اقتصاد مقاومتی کشور را واگسینه کنیم قطع به یقین حربه‌های دشمنان این مرز و بوم دیگر علیه ما جوابگو نیست. بنابراین مسئولین باید با نگاه به افق آرمان‌های انقلاب اسلامی قدم در این راه گذاشته و از این گذرگاه رد شوند.



# اقتصاد مقاومتی نیازمند اقدام و عمل است

## دانشگاهیان در انتخابات، مشارکت و اثرگذاری بسزایی داشتند



هفتم اسفند و مشارکت خوب مردم در این انتخابات تصریح کرد: بحمدالله این انتخابات با سلامت و مشارکت بالای مردم برگزار شد و چرخشی که در نتایج انتخابات نسبت به دوره قبل وجود داشت نشان از سلامت انتخابات و مردم سالاری دینی است و دانشگاهیان نیز چه در مشارکت و چه در اثرگذاری در این انتخابات نقش مهمی را ایفا نمودند.

وی در پایان با اشاره به انتصاب دکتر شرافت به عنوان مشاور روابط بین الملل دانشگاه ابراز امیدواری کرد: دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی ارتباط خوبی را با دفتر همکاری‌های علمی و بین المللی و نیز شورای بین الملل دانشگاه داشته باشند و برنامه ریزی‌های صورت گرفته در زمینه توسعه ارتباطات بین المللی دانشگاه در سال آینده بهتر از پیش صورت گیرد.

شده است. وی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود به کسب رتبه دوم تولید علم ایران در حوزه علوم کشاورزی و قرار گرفتن ۱۴ عضو هیات علمی دانشکده علوم پزشکی در لیست پژوهشگران برجسته و سرآمد کشور در حوزه پزشکی اشاره نمود.

وی همچنین به سفر رییس جمهور و روسای چند دانشگاه برتر سوئیس به ایران اشاره کرد و گفت: چند دانشگاه برتر سوئیس در زمینه‌های مختلف علم و فناوری، پزشکی و بانکداری و اقتصاد و نیز ایجاد کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی اعلام آمادگی کرده‌اند که باید به طور مشخص و موردی مطرح گردد و بتوانیم ارتباط قوی و خوبی را در جهت رشد روابط بین الملل و تعالی علم و فناوری دانشگاه برقرار کنیم.

وی در ادامه با اشاره به انتخابات

که کسانی که در انتخابات باید مشارکت جدی داشته باشند افراد منتقد هستند. در ادامه دکتر احمدی رییس دانشگاه به برگزاری دو همایش مهم ساماندهی سیاسی فضا و اداره بهینه شهر تهران و نیز سمینار بررسی ظرفیت‌های همکاری مراکز ایرانی با موسسه بین المللی واکسن IVI در دانشگاه اشاره کرد و گفت: همایش ساماندهی شهر تهران از سوی قطب جغرافیای سیاسی دانشگاه برگزار شده است که امیدواریم نتایج حاصل از این همایش در بهبود وضعیت تهران مورد توجه قرار گیرد. همچنین با توجه به مقام علمی شاخصی که ایران در دانش و فناوری تولید واکسن در سطح بین المللی کسب کرده است، مورد توجه موسسات بین المللی از جمله موسسه بین المللی واکسن IVI قرار گرفته است و سمیناری در راستای افزایش همکاری‌های میان ایران و سایر کشورها در دانشگاه برگزار

- ۲ نشست صمیمی اعضای خانواده مجلات نهاد
- ۳ مسئولان از ظرفیت علمی کشور استفاده کنند
- ۴ هل بدی روشن میشه!؟
- ۴ چه فکر می کردیم؟ چه شد!؟
- ۶ چراغی روشن کنیم!
- ۷ هنر؛ آنسان که متعالی ست
- ۸ جامعه ایده آل مهدوی
- ۸ ارتباطات انسانی
- ۹ یک فنجان چای داغ!
- ۹ سفری باید رفت!
- ۱۰ محبت سوسک‌ها گل می کند
- ۱۱ اولویت سیاسی دولت در سال ۱۳۹۵
- ۱۲ به دنبال یک لقمه حلال هستیم



نشست شورای دانشگاه با حضور رئیس، معاونان و روسای دانشکده‌ها در دانشگاه برگزار شد. دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه در ادامه بحث عقلانیت غربی و نقد نظریه داروین اظهار داشت: در نقد نظریه داروین نقد زیست شناسانه آن مطرح شد و نقد دیگری که در این دیدگاه وارد می‌شود این است که تکامل‌گرایان قائل بودند به اینکه تکامل تدریجی رخ می‌دهد و اشکال این است که حد واسط میان انواع در آن وجود ندارد و تکامل‌گرایان برای رفع این اشکال از نظریه موازنه مقطعی کمک گرفتند. به این معنی که تغییراتی که در انواع رخ می‌دهد تدریجی نیست و موازنه مقطعی مطرح است، وی ضمن توضیح و تبیین این نظریه به نقد آن پرداختند و افزودند: اما این نظریه نمی‌تواند یک توجیه قابل ملاحظه و خوبی برای رفع اشکال حد واسط‌ها باشد و این نظریه هیچ مکانیزمی را در ترکیب گونه‌ها دنبال نمی‌کند و مشکل حد واسط‌ها همچنان باقی است. وی افزود: از نظر فیزیولوژی، ژنتیک و جنین شناسی هیچ تردیدی بر تکامل انواع نیست و از دیدگاه این علوم، نظریه داروین مورد نقد قرار می‌گیرد. در ادامه ضمن تاکید بر ضرورت مشارکت در انتخابات آن را نشانه‌ی استقرار مردم سالاری از نوع دینی در کشور دانستند و گفتند بعضی فکر می‌کنند منتقد هستند و نباید در انتخابات شرکت کنند در حالی



## تجلیل از یک سال تلاش موثر رسانه ای نشست صمیمی اعضای خانواده مجلات نهاد



مراسم تقدیر و تشکر از دست اندرکاران و هیات تحریریه نشریات نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس (ماهنامه چشمه و فصل نامه فصل تحول) با حضور دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. در ابتدای مراسم پس از تلاوت قرآن کریم و خیر مقدم به مهمانان، حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع ضمن تشکر از اعضای تحریریه به اهمیت کار رسانه‌ای در زمان کنونی اشاره کرده و خاطر نشان کرد: زمانی که رسانه با هنر همراه باشد به معجزه تبدیل می‌شود یعنی باید در رسانه‌ای که کار می‌کنیم هنر را هم بکار ببریم. چنین نشریاتی با این گرافیک در کمتر دانشگاهی بوجود می‌آید. به همین دلیل است که در دانشگاه تربیت مدرس که تحصیلات تکمیلی

است و عمده دغدغه‌ی دانشجویان پژوهش و پروژه و پایان نامه و تز می‌باشد، اینگونه از نشریات استقبال می‌شود. مسئول نهاد نمایندگی خاطر نشان کردند: فصل تحول در دانشگاه‌های سراسر کشور توزیع می‌شود در حالی که چشمه برای دانشگاه تربیت مدرس است و باید کاری کنیم که تربیت مدرس بودن در آن ملموس باشد. و وقتی دانشجو، استاد و حتی کارکنان دانشگاه آن را می‌بینند احساس کنند به آن تعلق دارند. عضو هیئت علمی دانشگاه با ذکر این نکته که دانشگاه تربیت مدرس به دلیل جایگاه علمی‌اش از ظرفیت بالایی در تولید محتوا برخوردار است افزود: به دلیل نشست‌ها، هم اندیشی‌ها، اردوها و مراسماتی که در سطح دانشگاه و مسجد دانشگاه برگزار می‌شود و روز به روز بر مخاطبان آن افزوده می‌شود می‌توان از این ظرفیت عظیم محتوایی استفاده کرد. وی

در ادامه بیان داشت کمتر رسانه‌ای می‌تواند از چنین پایگاهی برخوردار باشد، ما ضمن شکر این نعمت باید بتوانیم روز به روز بر کیفیت کار بیفزائیم و گرنه عملاً از نعمت خداوندی شکرگزاری نکرده‌ایم. دکتر فلاح رفیع در پایان خطاب به تحریریه بیان داشت: کاری کنید که دانشجو، استاد و کارمند اطمینان داشته باشد که حرفش در نشریه منعکس می‌شود و اگر انتقادی هم صورت گرفت حتماً پاسخ آن هم منعکس گردد. این از وظایف اخلاقی رسانه است که باید انصاف و اخلاق را در همه مراحل کار رعایت نماید. در این نشست مهندس مرتضی فاضلی با اشاره‌ی کوتاه به تاریخچه تولید دو نشریه چشمه و فصل تحول در دانشگاه تربیت مدرس خاطر نشان کرد: دانشگاه تربیت مدرس به دلیل اینکه یک دانشگاه تحصیلات تکمیلی می‌باشد و دانشجویان اکثراً به امور درسی و علمی مشغولند کار فرهنگی

و رسانه‌ای کار بسیار سختی است. اما با توجه به پتانسیل قوی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ما جای خالی دو نشریه چشمه و فصل تحول را احساس کردیم. سردبیر نشریه چشمه در ادامه بیان داشت: ماهنامه چشمه سه دوره تغییر و تحولاتی را هم از لحاظ ظاهری و هم محتوایی پشت سر گذاشته و در این دوره با تیم گرافیک جدیدی شکل گرفته است. سردبیر نشریه فصل تحول ادامه دادند: سیاست‌هایی که ما دنبال می‌کنیم بعنوان محورهای محتوایی در نشریات گفتمان سازی بر محور دانشگاه تربیت مدرس بعنوان مولود انقلاب اسلامی است. مرتضی فاضلی در ادامه با بیان اینکه نشریه چشمه و فصل تحول صاحبان اصلی‌اش دانشجویان و استادان تربیت مدرس می‌باشند از اعضای تحریریه خواست کاری کنند تا همگان نشریه را از آن خود بدانند و از همه دعوت به

همکاری به عمل بیاید. وی با ذکر این نکته که باید این دو نشریه را به جایی برسانیم تا به عنوان یک نشریه تراز انقلاب اسلامی در دانشگاهی که مولود انقلاب است برسد افزود: باید در نگارش مان و محتوای رسانه‌ی خودمان حق مطلب را ادا کنیم. این دانشگاه سرمایه‌های بسیاری دارد. باید سراغ این سرمایه‌ها رفت و آنها را معرفی کرد. مهندس فاضلی در پایان از تحریریه خواست که به مشکلات دانشجویان و استادان توجه ویژه‌ای شود و با نقد منصفانه به دنبال حل مشکل دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه باشند. وی اهتمام ویژه تحریریه به تبیین سبک زندگی ایرانی اسلامی را نیز خواستار شد. در پایان برنامه پیش از صرف ناهار از تحریریه نشریات با لوح تقدیر و هدایا توسط حجت الاسلام دکتر فلاح رفیع و مهندس فاضلی قدردانی به عمل آمد.



## جوایه معاونت آموزشی دانشگاه به درج یک خبر



در پی درج گزارشی در شماره ۲۲ ماهنامه چشمه با عنوان «داوطلبی که به اشتباه در مقطع دکترا ثبت نام نمی‌شود» که در آن به بلا تکلیفی دانشجویی با نام محسن آتشگران نسبت به اعلام نتایج آزمون دکترای ۹۴ اشاره شده بود معاونت آموزشی دانشگاه جوایه‌ای به شرح ذیل به دفتر مجله ارسال نمود: این داوطلب محترم به اشتباه توسط سازمان سنجش آموزش کشور در مقطع دکتری برای پذیرش به این دانشگاه معرفی شده است و به دلایل زیر اساساً مشارالیه در هیچ یک از سهمیه‌های آزاد و ایثارگران واجد پذیرش در این دانشگاه نبوده است. ظرفیت پذیرش آزاد در کد رشته ثبت نامی این داوطلب برای مهر ۱۳۹۴ سه نفر بوده است. براساس آیین‌نامه مربوط، کسب حد نصاب امتیاز لازم در مرحله مصاحبه علمی

دانشگاه شرط الزامی برای پذیرش داوطلبان آزاد بوده است؛ اما متأسفانه هیچ یک از داوطلبان معرفی شده در این کد رشته از جمله داوطلب مذکور، حد نصاب قبولی علمی اعلام شده توسط گروه آموزشی ذیربط را در مرحله مصاحبه علمی برای پذیرش در سهمیه آزاد احراز نکرده‌اند. سازمان سنجش هیچ داوطلبی را در سهمیه آزادی برای پذیرش در این کد رشته به دانشگاه معرفی نکرده است. هیچ یک از دیگر داوطلبان معرفی شده به مرحله مصاحبه علمی دانشگاه (از جمله رتبه یک سهمیه آزاد) و نامبرده (حتی در صورت کسب رتبه دو در سهمیه آزاد) حد نصاب لازم موردنظر گروه آموزشی ذیربط دانشگاه را برای پذیرش در مرحله مصاحبه علمی احراز نکرده‌اند و هیچ داوطلبی در سهمیه آزاد کد رشته این داوطلب پذیرفته نشده است.

علاوه بر این، با توجه به این که از یک طرف هیچ داوطلبی در سهمیه‌ی آزاد پذیرفته نشده است و از طرف دیگر براساس قانون جامع مربوط به پذیرش ایثارگران، پذیرش این عزیزان منوط به احراز درصدی از حد نصاب آخرین فرد پذیرفته شده در سهمیه آزاد است، بالطبع هیچ داوطلب ایثارگری هم نمی‌توانسته برای پذیرش در این کد رشته معرفی شود. اساساً وقتی در یک کد رشته در مرحله اول هیچ یک از داوطلبان معرفی شده توسط سازمان سنجش، حد نصاب علمی لازم موردنظر گروه آموزشی دانشگاه را در مرحله مصاحبه علمی احراز نکنند، انتظار نمی‌رود که در مرحله تکمیل ظرفیت داوطلبی با حد نصاب علمی بالاتر به دانشگاه را انتخاب نکرده‌اند یا حائز حد نصاب پذیرش در کد رشته این دانشگاه یا هیچ دانشگاه دیگری نشده‌اند.

علاوه بر این، تکمیل ظرفیت پذیرش در هر کد رشته امری اختیاری است و الزامی برای اجرای آن توسط دانشگاه‌ها وجود ندارد و این دانشگاه نیز براساس اختیارات تفویضی درخواستی برای تکمیل ظرفیت در کد رشته این داوطلب محترم نداشته است. براساس قانون و مقررات مربوط به سهمیه ایثارگران، ۲۰ درصد از ظرفیت پذیرش در سهمیه آزاد به رزمندگان و ایثارگران عزیز اختصاص دارد (البته مشروط به کسب حد نصاب علمی مربوط در سهمیه رزمندگان: حداقل ۸۰ درصد و در سهمیه ایثارگران: حداقل ۷۰ درصد نمره آخرین فرد پذیرفته شده در سهمیه آزاد). بنابراین، همانگونه که در بند ۱ توضیح داده شد با توجه به اینکه در کد رشته مورد درخواست مشارالیه هیچ داوطلبی در سهمیه آزاد پذیرفته نشده است، معرفی ایشان برای

پذیرش در سهمیه ایثارگر نیز فاقد وجهت و مبنای قانونی بوده است. اگر چه دانشگاه از برگزاری دوره دکتری برای یک نفر پرهیز می‌کند. لیکن، عدم پذیرش ایشان به این علت نبوده است؛ بلکه با عنایت به اینکه هیچ داوطلبی در سهمیه آزاد پذیرفته نشده است، براساس قانون و مقررات و شرایط الزامی مربوط به پذیرش ایثارگران (به شرح مندرج در بندهای ۱ و ۳) نامبرده اساساً واجد شرایط قبولی نبوده و امکان پذیرش وی دی هیچ سهمیه‌ای (آزاد/ایثارگران) وجود نداشته است. چشمه: لازم به ذکر است آنچه که در شماره پیشین ذکر شده بود گزارشی از بلا تکلیفی این دانشجو بود که نشریه چشمه بنابر وظیفه خود این مشکل را بازتاب داده است. امیدواریم با همت و مساعدت مسئولین ذی‌ربط مشکل این دانشجو مرتفع شده و مشغول به تحصیل شود.



اتفاقیه

دانشگاه تربیت مدرس دومین دانشگاه جامع برتر کشور شد



بر اساس اعلام پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC در آخرین رتبه بندی سال ۹۴-۹۳ دانشگاهها و موسسات پژوهشی کشور، دانشگاه تربیت مدرس در میان ۶۳ دانشگاه جامع کشور در جایگاه دوم ایستاد. در این رتبه بندی دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز به ترتیب اول و سوم شدند. همچنین در رتبه بندی کلی دانشگاههای کشور در سال ۹۴-۱۳۹۳ دانشگاه و موسسه پژوهشی حضور داشتند که در این میان دانشگاه تربیت مدرس پس از دانشگاههای تهران، علوم پزشکی تهران، صنعتی امیرکبیر و صنعتی شریف در جایگاه پنجم قرار گرفت. حضور ۱۳۹ دانشگاه در این رتبه بندی، نزدیک به ۱۸ درصد رشد را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد.

برگزاری جشنواره سفره‌های هفت سین در دانشگاه



در آستانه فرا رسیدن سال نو، جشنواره سفره هفت سین، با هدف تکریم، احیای آئین‌ها و سنت‌های ایرانی اسلامی و ایجاد شور و نشاط اجتماعی در بین دانشجویان در محوطه حیات ساختمان مدیریت فرهنگی و اجتماعی برگزار شد. در این جشنواره که به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه برگزار شد، دانشجویان سفره‌های هفت سین متنوعی را با سبک و سیاق‌های متفاوت به معرض نمایش گذاشتند. توجه به اصالت و فرهنگ نوروز، ترکیب‌بندی و فرم سفره‌ها، مسائل محیط زیستی، رنگ بندی، تکنیک اجرا و خلاقیت و نوآوری ملاک‌های انتخاب سفره‌های برتر بود که از سوی داوران مورد توجه قرار گرفت. دکتر احمدی رییس دانشگاه و دکتر ناصری معاونت فرهنگی و اجتماعی، با حضور در این جشنواره از نزدیک، هنر و خلاقیت دانشجویان را مورد بازدید قرار دادند. در پایان جشنواره از میان ۲۵ شرکت کننده، ۳ نفر به عنوان نفرات برتر و ۶ نفر نیز به عنوان نفرات برگزیده از سوی داوران انتخاب شدند و هدایایی به آنان اهدا شد.

# مسئولان از ظرفیت علمی کشور استفاده کنند



همایش ساماندهی سیاسی فضا و اداره بهینه شهر تهران با حضور محمد تقی احمدی، رئیس دانشگاه تربیت مدرس، سرلشکر صفوی، دبیر همایش، محمد حسین پاپلی یزدی، دبیر علمی همایش، دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس، سیروس احمدی نوحدانی، دبیر اجرایی همایش، محمدرضا حافظ نیا مدیر قطب علمی جغرافیای سیاسی، محمد باقر قالیباف، شهردار تهران، دایمی، معاون وزیر نیرو، سردار حسین اشتیری، فرمانده نیروی انتظامی کشور و سید حسین هاشمی، استاندار تهران در دانشگاه تربیت مدرس تهران برگزار شد.



میلیدان تردد و آمد در شهر داریم که ۳۲۰۰ تردد آن در روز به ادارات دولتی است. پاپلی یزدی افزود: بر اساس برآورد صورت گرفته مراجعه مردم تهران به ۹ شعبه بانک در یک روز به اندازه تمام مراجعات به کل بانک‌های فرانکفورت است.

بهداشت داریم و ۴.۵ میلیون دانشجو در سراسر کشور تحصیل می‌کنند. لذا مسئولان می‌توانند از این ظرفیت برای حل مشکلات به صورت علمی استفاده کنند.

تهران و کشور را بدون پول نفت می‌توان اداره کرد

محمد حسین پاپلی یزدی دبیر علمی همایش ساماندهی سیاسی فضا و اداره بهینه شهر تهران نیز اظهار داشت: یکی از بزرگترین دستاوردهای شهرداری تهران این است که بدون کمک‌های دولتی شهر را اداره کرده است و این نشان می‌دهد که تهران و کشور را بدون پول نفت می‌توان اداره کرد و باید هر سه قوه و همینطور مردم مشارکت لازم را داشته باشند. وی درباره بروکراسی شهر تهران افزود: ۲۵

قردانی از برگزارکنندگان و حامیان این همایش ابراز امیدواری کرد نتایج این همایش در جهت حل مشکلات تهران مورد توجه قرار گیرد و راهبردها و فعالیت‌های مشخص در این همایش تعریف و به مدیران ابلاغ شود.

تربیت مدرس حل مشکلات کشور را وظیفه خود می‌داند

در این همایش، سرلشکر دکتر سید یحیی (رحیم) صفوی اظهار داشت: سال‌های گذشته همایش‌های بررسی انتقال پایگاه و تمرکززدایی از تهران برگزار شد و امروز سومین همایش را تحت عنوان ساماندهی فضا و اداره بهینه شهر تهران برگزار می‌کنیم. وی افزود: دانشگاه تربیت مدرس به عنوان یک دانشگاه رسالت خود می‌داند که علاوه بر آموزش و پژوهش از تربیت کادر علمی کشور در حل مشکلات کشور و نظام نیز و در مرحله تصمیم‌سازی ورود پیدا کند. صفوی گفت: بخشی از مشکلات تهران متوجه دولت و حکومت است و این دانشگاه به عنوان یک ظرفیت علمی در راستای حل مشکلات اقدام می‌کند.

دبیر همایش ساماندهی سیاسی فضا و اداره بهینه شهر تهران گفت: هم اکنون یکصد هزار عضو هیات علمی در دانشگاه‌های وزارت علوم و وزارت

نقش دانشگاهیان در پایش و بهبود مسائل شهر تهران بسیار حائز اهمیت است

دکتر محمد تقی احمدی رئیس این همایش در سخنانی اظهار داشت: دبیرخانه دائمی مطالعات علمی ساماندهی تهران به حسب درخواست مقامات ارشد شهری و ملی کشور در دانشگاه تشکیل شد و این همایش در زمینه مسائل پایتخت، به طور پیوسته برگزار می‌شود که امیدواریم نتایج آن به صورت منسجم و راهبردی برای تصمیم‌سازی مدیران ارشد تهران و وزارت کشور مفید واقع شود. وی خاطر نشان کرد: مشکلات شهری عموماً به صورت تدریجی رشد می‌کند و ممکن است به یک فرآیند غیر قابل پیش بینی و جهشی که آشوب‌گرایی نامیده می‌شود برسد. مسائلی که در بافت کلان و متمرکز رخ می‌دهد و آهسته آهسته رشد می‌کند و به مرحله بحران می‌رسد. بنابراین در حال حاضر که تهران در مرحله تدریجی مشکلات شهری قرار دارد باید با استفاده از دانش و علم متخصصین و همت و استواری مدیران، این مسائل کنترل و مدیریت شود و دانشگاهیان در اندازه‌گیری و پایش مسائل و تدوین راهکارهای بهبود و اصلاح و مدیریت شهر بزرگ و مهم تهران همت گمارند. رئیس دانشگاه در پایان ضمن تشکر و





## داستان ما و سایت دانشکده علوم انسانی هل بدی روشن میشه؟!



منیره سادات میراحمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد  
مطالعات زنان  
دانشگاه تربیت مدرس



از دیروز برنامه‌ی امروزم رو چیده بودم تا از زمان خالی بین دو کلاس حداکثر استفاده رو ببرم، منظورم یه جستجوی پیشرفته در زمینه‌ی تحقیقاتی محترمه. سایت مثل همیشه شلوغ نبود. یه راست رفتم و پشت اولین سیستم خالی نشستم. تا اومدم جابجا شم بغل دستیم اشاره کرد که موسش کار نمی‌کنه. تستش کردم و یکم با سیمش ور رفتم. راست می‌گفت، درست بشو نبود.

رفتم سراغ سیستم بعدی. بی‌توجه به صدای ناهنجاری که از کیبش به گوش می‌رسید، دکمه‌ی اینتر رو زدم. خوشبختانه یه پنج دقیقه‌ای طول کشید تا بالا بیاد، بهتره بگم یه جورایی جونش دراومد تا بالا اومد. روی آیکن اینترنتش کلیک کردم که اونم برای بالا اومدن، مدتی ما رو معطل خودش کرد. در نهایت دیدم که همیشه به این سرعت لاک پشتی اعتماد کرد. ناامیدانه با صندلی چرخداری که گوش همه رو خراشوند، خودم رو به سمت سیستم پشت سرم بردم... روشش کردم. بنظر این یکی دیگه درست می‌اومد. خیلی خوب داشت پیش می‌رفت، اما



دانشجوها آب می‌خورن. اما خُب انتظار ما دانشجوها هم از سایت دانشگاه تربیت مدرس خیلی بیشتره. بهتره کمی این سایت رو از همه جهات ارتقاء بدن، چه از جهت نرم افزاری، چه سخت افزاری و چه رفاهی مثل صندلی و تعداد سیستم ... (البته ما از کیفیت سایت‌های سایر دانشکده‌ها بی‌خبریم). این رو هم می‌دونیم که یه سایتی هست در طبقه‌ی زیرین کتابخانه‌ی مرکزی (جهت دانلود مقالات) که خیلی مظلوم واقع شده و دانشجوها یا به دلیل عدم شناخت و یا مسافت، سالی یکبار هم سری بهش نمی‌زنن. اما قطعاً مهم ترین علتش کوتاهی زمانه که هر دانشجویی می‌خواد در اون زمان اندک از سایت دانشکده‌ی خودش بهره ببرد.

البته از اونجایی که قرار نیست یک طرفه به قاضی بریم، تلاش می‌کنیم تا در شماره‌های آتی پاسخش رو از خود مسئولین جویا بشیم تا هم کسی مورد اتهام قرار نگیره و هم نگارنده، مورد سرزنش. خلاصه پر حرفی نکم و سرتون رو درد نیارم، اون‌روز از هجده سیستم موجود، یه چهار تاییش خراب بود، حالا اگر نگیم به طور کامل، اما بطور جزئی که حتماً خراب بود دیگه.

حالا کجاست یاری کننده‌ای که ما را یاری کند، امید داریم که ما را همراهی کنند.

صندلی‌ای بود که دانشجوها روی اون فشرده نشسته بودند. در حالی که سعی کردم خشمم رو کنترل کنم، بلند شدم تا خیلی محترمانه اعتراضم رو به گوش مسئولین محترم حاضر در سایت برسونم، اما خُب چه می‌شه کرد، در اتاقشون حاضر نبودند.

دیگه اینجا جا داره که بگیم: این حق دانشکده‌ی ما یعنی علوم انسانی نبود. آخه تا کی می‌شه تذکر داد که بابا این سیستم مستهلکه، نرم افزارش به روز نیست، موسش خرابه و... البته این بی‌انصافی که همه‌ی تقصیرا رو به گردن مسئولین بندازیم، چرا که بعضاً برخی از این معایب، از خود

که داشت. به روی خودم نیاوردم و به کارم ادامه دادم. بالاخره تموم شد، یه حس غرور ملی بهم دست داد، چون هم زمان با موفقیت من، یه چندین نفری ناامیدانه از پشت سیستم‌های تست شده‌ی قبلی توسط من و سایرین، بلند شده و مظلومانه در پشت در اتاق سایت، در سالن انتظار نشسته بودند تا نوبتشون بشه. فلش رو زدم به کیبش تا مقالات رو ذخیره کنم و خلاص. اما چشمتون روز بد نبیننه، فلش رو نمی‌خوند. دیگه ایندفعه خونم به جوش اومد. تا همینجاشم کلی از وقتم صرف از این طرف به اون طرف رفتن و عبور از بین دو ردیف

نه... اندکی صبر... اینترنتش ارور داد. گویا امروز رو دور شانس نبودیم. بند و بساطم رو جمع کردم و نشستم پشت آخرین سیستم خالی موجود. نگو چرا امروز سایت خلوت تره. خُب... خداروشکر این یکی دیگه سر ناسازگاری نداشت با ما. سرعت اینترنتش خوب بود. چندتا مقاله‌ی به درد بخور دانلود کردم و کمی هم مطالعه. واقعا باورم نمی‌شد، همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت. فقط اون وسطا موقع تایپ، دکمه‌ی اسپیس که از فرط فرسودگی و کار زیاد، مستهلک شده بود، چندان ما رو یاری نمی‌کرد، البته جدای از صدای زیبایی

## چه فکر می‌کردیم؟ چه شد؟!



ایام سال هیچ نشانی از فعالیت آن نیست. درحالی‌که این شورا تنها نهاد صنفی- قانونی در بین دانشجویان است و به‌عنوان آخرین نقطه اتکای آنان در حل معضلات رفاهی، سکونت و آموزشی محسوب می‌شود. بنابراین با توجه به حضور برادران و خواهرانی که در این شورا خود نیز دانشجو و همدرد ما هستند، انتظار می‌رود؛ ایشان با احساس مسئولیت کامل در پی حل مسائل دانشگاه تربیت مدرس برآیند.

پایگاه بهداشت، آنان با بهانه‌هایی از سم‌پاشی تا زمان تعطیلات عید نوروز سرباز زده و ما را در مصاف با حشرات تنها گذاشتند. به نظر نگارنده دلیل عمده چنین وضعیتی در دانشگاه، ضعف عملکرد نهاد شورای صنفی دانشجویان است؛ نهادی که باید پیگیر مشکلات رفاهی دانشجویان باشد. تجربه‌ای که در این باره عاید نویسنده این سطور شده، این است که نام شورا تنها در هنگام انتخابات اعضای آن می‌درخشد و در دیگر

رشته‌های پرشمار، پاسخگوی کلاس‌ها نبودند و تعداد دانشجویان نبود. یاد می‌آید که در همان ترم اول برای تشکیل جلسه درس در هر هفته، همراه با استاد دقیقی را به دنبال اتاق خالی می‌گشتیم. زیست‌شناسان معتقدند که هر موجود ارگانیکی بسته به میزان تطابقش با محیط، امکان بقا و رشد را دارد. ما نیز به‌عنوان موجودی انسانی به این وضعیت دانشکده عادت کردیم و خود را با آن تطبیق دادیم. شب هنگام وقتی که برای استراحت به خوابگاه بر می‌گشتیم، با کیفیت نامناسب غذا مواجه می‌شدیم. غذاهایی که بعضی از آن‌ها در هیچ دانشگاهی پخت نمی‌شد و فقط مختص دانشگاه تربیت مدرس بود.

از هنگام ورود نگارنده به دانشگاه، قریب به دو سال می‌گذرد و دانشجویان همچنان با این مشکلات دست به گریبان هستند. چنانکه امروز با مشکل حشره ساس در اتاق مواجه هستیم. حشره‌ای که به شدت در حال تکثیر شدن در خوابگاه است و خواب و امانمان را چند ماهی بریده است. نکته جالب اینکه علی‌رغم مراجعه به مسئولین

بودند و پاسخگوی تعداد دانشجویان نمی‌شدند. یکی دو ماه اول به همین منوال سپری شد تا فصل سرما رسید. هوای سرد و آب یخ خوابگاه‌ها نشان از جدی بودن این مشکلات در دانشگاه را داشت. به این مشکلات با تأخیر چند هفته‌ای رسیدگی شد اما نه بطور کامل؛ به گونه‌ای که پس از آن نیز مشکل فشار آب گرم در خوابگاه‌ها پابرجا ماند. همچنین در خوابگاه ماشین لباسشویی وجود نداشت و افراد مجبور بودند، به صورت دستی لباس‌هایشان را بشویند. دانشجویان این مسائل را اغلب با وبگردی تحمل یا فراموش می‌کردند، اما هنگامی که اینترنت نیز دچار مشکل باشد، چه باید کرد؟ قطعی‌های مداوم و چند روزه اتصال به شبکه نت، مشکلی بود که در سال ۱۳۹۳ منجر به اعتراض جمعی از دانشجویان شد که اینجانب نیز در آن شرکت داشتم. این معضل هم با کندی و به طور مقطعی حل شد. این مشکلات صنفی در داخل خوابگاه با مسائل آموزشی در دانشکده علوم انسانی ترکیب می‌شد. این دانشکده مانند فرزند یتیم دانشگاه به نظر می‌رسید، زیرا ساختمان محدود آن با



هادی طلوعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی  
دانشگاه تربیت مدرس



یادش بخیر؛ پیش از ورود به دانشگاه تربیت مدرس تنها مطلبی که راجع به آن می‌دانستم این بود که مختص تحصیلات تکمیلی است. بنابراین توقع بسیاری از آن داشتم. در اولین روز حضور، نحوه‌ی برخورد و سرعت کارکنان در ثبت‌نام که در کمتر از یک ساعت انجام شد، مرا به این محیط امیدوار کرد؛ اما ورودم به خوابگاه این تصور اولیه را بر هم زد. خوابگاه شهید باقری در سال ۹۳ تازه تعمیر شده بود، بنابراین بخشی از طبقات، امکاناتی نداشت و بوی رنگ تمام فضاهاى آن را پر کرده بود. البته به علت تعمیرات تازه این موارد پذیرفتنی بود و هنوز از امیدواری اولیه، کمی در وجودمان باقی بود. تا اینکه در اولین روزهای شروع سال تحصیلی، تعداد محدود سرویس‌های رفت و آمد خوابگاه، ذوقمان را کور کرد. اتوبوس‌های دانشگاه در اکثر اوقات کم





## ماشین لباسشویی ام آرزوست!



سام سعیدی  
دانشجوی دکترای دانشگاه تربیت مدرس

همراه من باشید توی این خوابگاه... وقتی میخوای لباساتو ببری و بریزی توی ماشین لباسشویی که بشوری و بدون اینکه اذیت نشی. سوار آسانسور که میشم طبقه ۲- رو میزنم وقتی میرم که لباسامو بریزم توی ماشین لباسشویی اما اثری از ماشین لباسشویی نیست. گذری بزیم به چند ماه پیش وقتی اوایل مهر ماه اومدیم و ماشینهای لباسشویی به صورت خراب در گوشه همون اتاق افتاده بودن، الان برای من راهی جز شستن همون لباسها توی حموم نیست. خدایا یعنی خریدن دو یا سه تا ماشین لباسشویی برای دانشگاه تربیت مدرس (مولود انقلاب) چقدر خرج داره؟ بزار توی اینترنت سرچ کنم ببینم چقدر خرج داره. هر ماشین لباسشویی یک تا دو تومن خرج داره. یعنی دانشگاه به این عظمت پول دو سه تا ماشین لباسشویی رو نداره؟ مگه این هم جزو نیازها و دغدغه‌های دانشجو نیست. البته این یکی از تنها دغدغه‌های ما دانشجویان در دوران دانشجویی است، غذای دانشگاه، فضای تنگ اتاق‌ها و ظرفیت بالای ساکنین و سرویس‌هایی با راننده‌های جور واجور و وام‌های دانشجویی که دیر ریخته میشه و غیره بماند. بریم سر بحث اصلی ما... حالا آگه خوابگاه‌های دیگه دانشگاه هم ماشین لباسشویی نداشت یه چیزی، اصلا من هر روز میرفتم لباسامو می‌شستم. اما وقتی بوده و خراب شده و بعدا دیگه هیچ اثری ازشون نیست آدم رو به فکر فرو میبره. شرح وضعیت یکی از خوابگاه‌های دانشگاه که بالای ۳۰۰ نفر دانشجو ساکن داره که بیشترشون دکترا میخونن. امیدوارم مسئولان دانشگاه به فکر دانشجویان باشند ما باز هم منتظر می‌مانیم شاید خبری بشه...

# چهارمین نشست توسعه و ترویج کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره برگزار شد



دکتر نبوی خاطر نشان ساخت: نظریه‌پردازی چون در مقام حلم سالهاست مفید واقع می‌شود، اما اگر آنرا از دست بدهد به ورطه ادعا پراکنی سقوط می‌کند. ادعا ممکن است معتبر باشد، اما مفید نباشد. در عین حال نظریه‌پردازی به اعتبار سنجی نیز نیاز دارد و به خاطر آن موجه و معتبر است. اگر نظریه اعتبار سنجی نشود به ورطه خیال‌پردازی سقوط می‌کند و با وجود اینکه برخی از خیالات ممکن است مفید باشند، اما معتبر نیستند.

می‌توان تقسیم کرد. علوم قیاسی شامل علوم صوری و علوم نظری و علوم استقرایی شامل علوم تجربی و علوم استنادی می‌باشد که هر کدام از این علوم اعتبار سنجی مخصوص به خود را دارند اعتبار سنجی در علوم صوری به روش اصل موضوعی و در علوم نظری به روش تحلیل منطقی صورت می‌گیرد. همچنین اعتبار سنجی در علوم تجربی، به روش تبیینی - تجربی و در علوم استنادی به روش استنادی صورت می‌گیرد.

است. مساله یک پژوهش است و پژوهش یک کاوش است به سمت آینده. اما سوال مربوط به آموزش است و اگر ما سوال را فهم کنیم آموزش را هم فهم کرده‌ایم.

عضو هیات علمی دانشگاه تاکید کرد: گام اول در پژوهش مساله یابی است. مساله، خشت اول در بنای پژوهش است و مساله سرچشمه حیات پژوهشی ماست. وی با اشاره به منطق نظریه‌پردازی اظهار داشت: در نظریه‌پردازی اولین بحث این است که چه فرقی میان نظریه پژوهشی و فرضیه پژوهشی است. مرتبط منسجم است که برای حل یک مساله ارائه می‌شود. وی با بیان سخنی از انیشتین در خصوص نظریه‌پردازی اذعان داشت: به گفته انیشتین نظریات علمی را از مشاهدات نمی‌توان استخراج کرد، بلکه باید آن‌ها را ابداع کرد. وی در خصوص تقسیم علوم و اعتبار سنجی هر یک از آنها تصریح کرد: علوم را به دو گروه کلی علوم قیاسی و علوم استقرایی

چهارمین نشست توسعه و ترویج کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره با موضوع منطق نظریه‌پردازی و با سخنرانی دکتر لطف الله نبوی در دانشکده علوم انسانی برگزار شد. دکتر نبوی عضو هیات علمی دانشکده علوم انسانی در سخنانی اظهار داشت: پژوهش علمی یک قله و دو دامنه دارد که قله آن نظریه‌پردازی و دو دامنه آن مساله‌یابی و اعتبار سنجی است. اساسا فهم قله در گرو دامنه است، دامنه اول مساله‌یابی است که در واقع مشکل اصلی پژوهش ما مساله است و خود مساله، و وقتی مساله درخوری نداریم نظریه‌پردازی سقوط می‌کند. وی ادامه داد: دامنه دوم اعتبار سنجی است. عمق و غنای یک پژوهش در گروی نظریه‌ای است که بیان می‌کند. یک روش علمی شامل مساله یابی، نظریه‌پردازی و اعتبار سنجی است. وی افزود: مساله با سوال متفاوت

## ۱۴ عضو هیات علمی دانشگاه به عنوان پژوهشگران برتر علوم پزشکی کشور معرفی شدند



مدرس شامل: دکتر مسعود سلیمانی، دکتر علیرضا مانی، دکتر عبدالامیر علامه، دکتر سیده زهرا بطحایی، دکتر یعقوب فتح‌اللهی، دکتر مسعود گرشاسبی، دکتر انوشیروان کاظم نژاد، دکتر سید غلامرضا موسوی، دکتر سعید سمنانیان، دکتر محمد جواد رسایی، دکتر حسین مزدارانی، دکتر مجتبی رضازاده، دکتر محمد جوان، دکتر فضل‌اله احمدی به عنوان پژوهشگران برتر و برجسته علوم پزشکی کشور مورد تقدیر قرار گرفتند. نشریه چشمه کسب این موفقیت را تبریک گفته و از خداوند منان آرزوی توفیق روز افزون را برای این عزیزان خواستار است.

معاونت پژوهشی وزارت بهداشت و آموزش پزشکی، اولین همایش بررسی شیوه‌های دستیابی به مرجعیت علمی و پژوهشی را در دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار کرد و طی آن از ۳۰۰ نفر از پژوهشگران برجسته و سرآمد علوم پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور دارای شاخص H-index برابر و بالای ۱۵ تقدیر کرد. در این مراسم، ۱۴ عضو هیات علمی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت

## کسب دو عنوان ارزشمند در نهمین جشنواره نشریات دانشجویی کشور توسط دانشجویان دانشگاه

با تأکید بر نابودی بنیان خانواده" در بخش آثار برتر به عنوان رتبه اول مقالات علمی - تخصصی علوم انسانی معرفی شد.

در بخش نشریات برتر بیش از دو هزار نشریه مورد داوری قرار گرفت و فصلنامه آرایه به مدیر مسئولی فرزانه فرشیدنیک دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه به عنوان نشریه برتر در زمینه هنر شناخته شد.

نهمین جشنواره سراسری نشریات دانشجویی کشور که به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شد، با تقدیر از ۱۳۰ اثر و نشریه که حائز رتبه‌های برتر محورهای ۲۴ گانه بخش آثار برتر، محورهای ۱۴ گانه بخش نشریات برتر و چهار محور بخش ویژه شدند، به کار خود پایان داد.

در پایان نهمین جشنواره سراسری نشریات دانشجویی کشور که در دانشگاه تهران برگزار شد، مهدیه محمدتقی زاده مدیر مسئول فصلنامه علمی - تخصصی خانواده پژوهی انجمن علمی دانشجویی مطالعات زنان موفق شد رتبه اول مقالات علمی - تخصصی علوم انسانی را از آن خود کند. فصلنامه آرایه به مدیر مسئولی فرزانه فرشیدنیک دیگر دانشجوی دانشگاه نیز به عنوان نشریه برتر در میان نشریات علمی - تخصصی گروه هنر معرفی شد و مورد تقدیر قرار گرفت.

اثر ارائه شده توسط مهدیه محمدتقی زاده با عنوان " واکاوی پیامدهای اعتقادی - دینی فمینیسم

# اعتماد

زمان برگزاری:

پنجشنبه، ۲۴ شهریور، ۱۵ فروردین ۹۵

مکان: مسجد دانشگاه تربیت مدرس

زمان ثبت نام: ۱۵ الی ۳۰ فروردین ۹۵

علاقمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر، ثبت نام می‌توانند به سایت [nahad.modares.ac.ir](http://nahad.modares.ac.ir) مراجعه فرمایند.

سازماندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها



# لشکری سفالین خفته در زیر خاک

آن حک می کرد تا بعدها وقتی که آن شیء از نظر کیفیت دچار مشکل شد، کم کاری فرد خاطی مشخص شود. چنین شیوه‌ای در ساختن سربازان سفالی هم به کار رفت و دستور داده شد تا سازنده‌ی هر مجسمه نام خود را روی آن حک کند، به همین دلیل باستان‌شناسان به راحتی توانستند تمامی افرادی را که در ساختن این ارتش به خدمت گرفته شده‌اند مشخص کنند. در نهایت وقتی که ساخت مجسمه‌ها تمام شد، سربازانی که از نظر درجه با هم یکی بودند در کنار همدیگر قرار داده شدند تا با امپراتور کین شی هوانگ به سرزمین مردگان بروند. این مجسمه‌ها در حالت‌های مختلف و با ابزار آلات جنگی گوناگونی ساخته شده‌اند، مثل سربازان پیاده نظام که حالت ایستاده دارند، کمانداران که در حالت زانو زده ساخته شده‌اند و اربابان‌ها که ارباب‌های متصل به چندین اسب را می‌رانند.

برای جا دادن تمامی سربازان، چهار کانال به طول یک و نیم کیلومتر و به عمق هفت متر در شرق معبد شی هوانگ دی حفر شد. در این کانال‌ها تمامی ارتش ۸ هزار نفری در کنار هم قرار داده شدند، در کانال اول ۱۱ راهرو که بیشتر آنها بیش از سه متر عرض دارند، کنده شده‌اند. این راهروها با آجرهای کوچکی سنگ‌فرش شده‌اند و یک سقف چوبی برای حفاظت در برابر اشعه‌ی خورشید و دیگر حوادث طبیعی روی این کانال تعبیه شده است. سرانجام چند سال بعد از کشف سربازان، از ۱۳ سپتامبر سال ۲۰۰۷ تا آوریل سال ۲۰۰۸ نمایشگاهی با نام «نخستین امپراتور، ارتش سفالی چینی» در انگلستان برگزار شد و در آن ۱۲۰ شیء یافته شده از معبد کین شی هوانگ و ۲۰ جنگجو در معرض دید عموم قرار گرفت.

هنگامی که خبر برگزاری نمایشگاه همه جا پخش شد، جمعیت زیادی برای دیدن این ۲۰ جنگجو و دیگر اشیاء به موزه سرازیر شدند و حضور این بازدیدکنندگان آن قدر زیاد بود که رکورد حضور مردم در زمان نمایشگاه «توت آنخ آمون» در سال ۱۹۷۲ که در همین کشور برگزار شده بود، شکسته شد.



اینکه ساختمان‌های دیگری هم زیر خاک مدفون شده باشند وجود داشت. در واقع حدس آنها درست بود چون با کندوکاوهای بعدی، معبد بزرگ «شی هوانگ دی» سر از خاک بیرون آمد، معبدی هرمی شکل با ۷۶ متر طول و نزدیک به ۳۵۰ متر مربع مساحت. بعد از کشف این معبد باستان‌شناسان از ترس اینکه مبادا در جریان حفاری به اشیای با ارزشی که همراه امپراتور کین شی هوانگ مدفون شده آسیب برسد، ترجیح دادند که این کار را انجام ندهند و معبد خفته در خاک را بیشتر از این بیدار نکنند.

طبق بررسی‌های به عمل آمده، سربازان سفالی توسط دو گروه بزرگ کارگران محلی و مجسمه‌سازان و پیکرتراشان چینی ساخته شده‌اند. ساخت این مجسمه‌ها مراحل مختلفی داشت، به این ترتیب که اول سر، دست‌ها، پاها و تنه‌ی هر کدام از آنها به صورت جداگانه ساخته می‌شد و بعد روی همدیگر سوار می‌شدند. مطالعات نشان می‌دهند که هشت نوع قالب بدنی برای ساخت مردان سفالی مورد استفاده قرار گرفته و در نهایت وقتی که سر، دست‌ها و پاها روی تنه سوار می‌شدند، خاک رس به آنها اضافه می‌شد تا استحکام بیشتری پیدا کنند. حالا نوبت نقش بستن اعضای چهره آنها روی صورتشان بود، در آن زمان‌ها رایج بود که سازنده هر شی نام خود را روی

سربازان کردند، کین شی هوانگ ۱۳ ساله بود و عجیب اینکه این امپراتور نوجوان دستور داده بود که هیچ یک از سربازان نباید شبیه یکدیگر باشند، به نظر می‌رسد همین نکته دلیلی برای شروع زود هنگام ساخت مجسمه‌های آنان باشد. این باستان‌شناس در یکی از کتاب‌های معروف خود به نام «شیجی» مدعی شده است که اولین امپراتوری با کاخ‌ها، برج‌های خوش منظره، مقامات رسمی، ابزارهای با ارزش و اشیای بسیار جالب و دیدنی‌اش به خاک سپرده شد. با کشف ارتش سفالی این عقیده او رنگ واقعیت گرفت اما کار به همین جا ختم نشد، چون از نظر باستان‌شناسان احتمال

و اما نکته‌ی جالب اینجاست که این سربازها دقیقاً به اندازه‌ی واقعی یک انسان ساخته شده‌اند و نوع پوشش و کلاه آنها کاملاً شبیه سربازان چین در دوران باستان است. از آنجا که این آثار باستانی در نزدیکی کوه لیشان کشف شدند، به نظر می‌رسد که مصالح لازم برای ساخت یک گورستان پر از سرباز از همین کوه تهیه شده باشد. مقبره عظیم کین شی هوانگ هم دقیقاً مثل محوطه‌ی امپراتوری خود اوست، در این گورستان کاخ‌ها، ساختمان‌ها و اتاق‌های زیادی وجود دارد و تالارها و دیگر بناها و محوطه اطرافشان با دیوارهای بلند محصور شده‌اند.

مدتی بعد از کشف این مکان عجیب، بازار شایعات بین مردم این کشور داغ شد، خیلی‌ها با استناد به افسانه‌های قدیمی می‌گفتند که این جنگجویان سفالی در حقیقت سربازان واقعی هستند که با امپراتور به خاک سپرده شده‌اند تا از او در برابر هر گونه خطری محافظت کنند؛ این نوع رسم و آیین‌ها در بین دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌ها نیز وجود داشته است.

به عقیده «سی ما کیان»، یکی از باستان‌شناسان معروف چینی که به تحقیق روی این گنجینه خفته در خاک پرداخته، ۲۴۶ سال قبل از میلاد مسیح، ۷۰۰ هزار کارگر برای ساخت مقبره‌ی امپراتور اول به خدمت گرفته شدند. هنگامی که آنها شروع به ساخت این

## باستان شناسان دوران

سلطنت کین شی هوانگ را ۲۲۱ سال قبل از میلاد مسیح تخمین زده و به این نتیجه رسیده‌اند که اولین امپراتور چین برای اینکه بتواند در دنیای دیگر هم فرمانروایی کند تمام سفالگران و مجسمه سازان آن زمان چین را به خدمت گرفت و به آنها دستور داد هزاران مجسمه‌ی سرباز سفالی را بسازند تا با ارتش سفالی به سرزمین مردگان برود چون باور داشت که این ارتش پس از مرگ از او محافظت خواهد کرد.



محسن سعادت

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی  
دانشگاه تربیت مدرس



در مارس سال ۱۹۷۴ وقتی که دهقانان حومه‌ی شرقی استان «شیان شانکسی» چین برای رسیدن به آب در یک و نیم مایلی کوهستان لیشا، مشغول کندن زمین شدند، نمی‌دانستند که گنجینه‌ای چند هزار ساله زیر خروارها خاک در انتظار آنهاست؛ گنجینه‌ای از مجسمه‌های سفالی ۸ هزار سرباز چینی که کشف آنها یکی از بزرگ‌ترین اکتشافات قرن را نمایان کرد. با پیدا شدن این سربازان سفالی، پای باستان‌شناسان و محققان زیادی به این منطقه باز شد، متخصصانی که در برابر یک سؤال بدون جواب قرار گرفته بودند. اینکه چه دلایلی برای ساخت این مجسمه‌ها در ابعاد واقعی یک انسان وجود داشته است؟

با اعلام خبر کشف این ارتش سفالی، حفاری باستان‌شناسان در این منطقه به سرعت شروع شد و به این ترتیب راز بزرگی فاش شد، اینکه تمامی مجسمه‌های کشف شده متعلق به سربازان و اسب‌های سفالی‌ای هستند که از زمان مرگ «کین شی هوانگ»، اولین امپراتور چین همراه او دفن شده بودند. باستان‌شناسان دوران سلطنت کین شی هوانگ را ۲۲۱ سال قبل از میلاد مسیح تخمین زده و به این نتیجه رسیده‌اند که اولین امپراتور چین برای اینکه بتواند در دنیای دیگر هم فرمانروایی کند تمام سفالگران و مجسمه سازان آن زمان چین را به خدمت گرفت و به آنها دستور داد هزاران مجسمه‌ی سرباز سفالی را بسازند تا با ارتش سفالی به سرزمین مردگان برود چون باور داشت که این ارتش پس از مرگ از او محافظت خواهد کرد. این جنگجویان سفالی با آرایش جنگی در یک و نیم کیلومتری مقبره امپراتور و رو به سرزمین‌های دشمن دفن شده‌اند، طوری که بین دشمن و مقبره امپراتور قرار بگیرند.

نباشند. حال می‌بایست آنقدر پیچیده و دقیق غارت کرد که صاحب خانه حتی متوجه دزدی نشود، چه برسد به آنکه بفهمد چه چیزی دزدیده شده. صورت جدید را استعمار فرانو می‌نامند و این مفهوم نخستین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شد. در این مفهوم برنامه ریزی‌ها همه دقیق و غیرمستقیم‌اند. استعمار فرانو در واقع، اشغال پایدار غیرمستقیم و بدون اعتراض مردمی با عبور از حاکمان سیاسی است. در استعمار فرانو موضوعات فرهنگی اولویتی تردیدناپذیر دارند. همه مردم

خواب قرون وسطایی‌اش بیدار شد و دریافت که منابع محدودند و نیازهایش نامحدود. پس می‌بایست برای پر کردن جام خود، جام دیگرانی را خشک کند. آسیا و آفریقا در این زمان گزینه‌های خوبی برای غارت بودند. ناپسانمانی در برخی مناطق جهان باعث شد تا غربی‌ها حرکت خود به سمت آبادانی! را آغاز کنند. استعمار در ابتدا با حمله نظامی و قتل و غارت همراه بود. در مرحله‌ی بعد استعمار تغییر شکل داد و صورت‌هایی غیرمستقیم به خود گرفت. اما گذر زمان و گسترش آگاهی در جهان باعث شد تا اشکال قدیم و مستقیم دیگر کاربردی

مدتی پیش کاریکاتوری با عنوان آخرین مسلمان منتشر شد. ادعا بر این بود که این کاریکاتور را مجله تایم چاپ کرده، که البته درستی و نادرستی آن، فعلاً موضوع بحث نیست. روزها ذهنم درگیر این موضوع بود. برای کسی که حدود ده سال است تخصصی و علمی تاریخ می‌خواند قابل پذیرش نیست که مسلمانان را اینگونه تصور و تصویر کنند. کوتاهی است اگر راجع به آن ننویسم و نخوانید. هر چه می‌گردم به سرنخی جز استعمار نمی‌رسم. استعمار از ریشه عمران و به معنای آبادانی است. زمانی که غرب از



## چراغی روشن کنیم!



دانشجوی دکتری تاریخ

محمد رافعی





## مدگرایی در جامعه ایرانی

سازی باشد. آن هنگام که ارزش‌های جدید جامعه بدون آنکه به بازتعریفی از نقش‌های اجتماعی و نهادینه سازی آنها در میان مردم جامعه بپردازد ثروت‌اندوزی را فرای اصول دیگر قلمداد نمود و والدین را تنها برای رفع مایحتاج روزانه خود مجبور به کار فراوان بیرون از منزل کرد. سپس این فکر را ناخودآگاه به آنان تزریق نمود که اگر پول بیشتری داشته باشند فرزندشان در آینده خوشبخت‌تر خواهد بود و این مسئله مقدمه‌ای شد برای بی‌توجهی هر چه بیشتر به فرزندان و به فراموشی سپردن اصول تربیت صحیح که در نهایت نتیجه نیز همین شد که امروز در جامعه با آن مواجه هستیم. بنابراین در دو سر این طیف یکی مسئولین قرار دارند و دیگر خانواده‌ها. مسئولین که باید در پی یافتن راهکارهای کلان باشند که خارج از بحث ماست و امید بر این است که در برنامه‌ریزی‌ها از کارشناسان علوم اجتماعی و روانشناسی بهره‌ی کافی ببرند و اما خانواده‌ها که روی سخن ما بیشتر آنان هستند می‌بایست خود نگران وضعیت خود و فرزندشان باشند و چشم امید به جامعه ندوزند. خانواده‌ها باید همان‌طور که نقش‌های اجتماعی را در بیرون از منزل به خوبی ایفا می‌نمایند در عرصه‌ی درون خانگی نیز به اهمیت وافر نقش‌شان آگاه باشند و کار بیرون از منزل را وسیله توجیه برای کم کاری در خانه نسازند و به فرزندانشان بیاموزند که آنها دارای یک تاریخ و عقبه‌ی درخشان هستند و این برای احساس سرفرازی آنها اهمیت فراوانی دارند و مهمترین راهکار اینکه روابط از قبیل گفتگوها، بیرون رفتن‌ها و ... می‌بایست در میان افراد یک خانواده بسیار پر رنگ‌تر گردد. کم بودن ارتباط و به عبارتی دیگر بیگانگی افراد خانواده با یکدیگر خود مولد بسیاری از مشکلات است که تنها یکی از آنها بدپوشی و مدگرایی است. امید است که خانواده‌ها فریاد بی‌صدای به من توجه کنید! فرزندانشان را بشنوند.



که اهرم‌های فشار خانواده به لحاظ سنی روی آنها کمترین اثر را دارد دست به اولین حرکتی می‌زنند که سریعاً احساس خلاء آنها را پوشش دهد و لذا ظاهر می‌تواند قالب خوبی برای این نیت باشد. این دیده نشدن در خانواده، همیشه به معنای بی‌توجه بودن افراد نزدیک به فرد نیست بلکه گاهی به این معنا است که خانواده و دیگران مهم‌انتظاراتی فراتر از توان فرد دارند. لذا آن هنگام که فرد به خود می‌آید و در می‌یابد که آنچه که باید می‌بوده نشده است سعی می‌کند دستاویزی برای رفع این احساس توأم با حقارت بیابد و همان‌طور که بیان گردید پوشیدن لباس‌های خاصی که در جامعه مد روز به حساب می‌آیند و مایه‌ی توجهات زیاد مردم به سمت آنها می‌شود دست آویز خوبی به نظرشان می‌رسد. اما سوال مهم‌تر اینجاست که مقصر اصلی این معضل کم و بیش نوظهور در جامعه‌ی ما چه کسی و یا کسانی هستند؟ پاسخ به این پرسش مسلماً آسان نمی‌باشد چرا که مهمترین ویژگی یک مشکل اجتماعی درهم‌تنیدگی زیاد آن و به عبارتی گم بودن علت و معلول در آن است اما اجمالاً می‌توان به این موارد اشاره نمود که اولاً این مشکل می‌تواند زائیده‌ی توسعه‌ی شتابان جامعه بدون فرهنگ

مد و فشن می‌بیند و متأسفانه شبیه به آن را در جامعه‌ی خودش نیز می‌یابد و طبیعتاً تهیه کرده و می‌پوشد. علت اصلی این رفتار و عملکرد دیده شدن بیشتر است. به عبارتی دیگر افراد آن هنگام که در بافت خانوادگی خویش و یا در اجتماعات بزرگتری چون مدرسه و ... زمینه‌ای را برای معرفی خویش و کسب اعتماد به نفس نمی‌یابند بعدها آن زمانی

**مد آن هنگام که با خاستگاه‌های فرهنگی ما برابری کند لزوماً بار منفی ندارد و تنها زمانی نگران کننده خواهد بود که میان آرمان‌های یک جامعه و مدی که در آن مرسوم گشته است شکاف زیادی مشاهده شود؛ شبیه به مسئله‌ای که امروزه با آن مواجه هستیم: جامعه‌ای اسلامی با پوششی نامتعارف. اگر چه که این مسئله در میان بانوان حائز اهمیت بیشتری است اما این مهم دلیلی برای بیرون ماندن مردان از این دایره‌ی معیوب نیست. اما پرسش اصلی اینجاست که این پوشش نامناسب به چه علت در میان برخی از جوانان امروزی ما مرسوم گشته است؟**

از رفتار را نشان می‌دهند که منطبق با سطح تفکرشان است، سطح تفکری که زاده ارزش‌های یک جامعه و دستگاه‌های جامعه پذیر است و برخی دیگر از مواقع رفتاری از آدمیان بروز می‌کند که نه تنها پس زمینه‌ای از تفکر ندارد بلکه بعدها این رفتار است که عقیده‌ها و ارزش‌های آنها را می‌سازد. از سویی دیگر می‌دانیم که مد از آن رو که سطح زندگی و تفکری یک فرد را به نمایش می‌گذارد نوعی از رفتار محسوب می‌گردد لذا آن هنگام که میان سطح تفکری فرد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و آنچه بر تن می‌کند رابطه‌ی انطباقی برقرار باشد مسئله‌ای ایجاد نخواهد شد اما آن هنگام که فرد رفتاری را در قالب نوعی پوشش نامتعارف از خود بروز می‌دهد و این در حالیست که خود صاحب اندیشه‌ی پشت آن نیست این همان چیزی است که می‌توان نام معضل را بر آن نهاد. از همین رو در جامعه‌ی اسلامی ما اصطلاح بدحجابی ایجاد شده است و آن حالتی است که فرد برخلاف اصول و ارزش‌های یک جامعه عمل نموده و لباسی را می‌پوشد که خود دامنه‌ی تاثیر آن را درک نمی‌نماید و تنها آنچه برایش اهمیت دارد یکسان بودن با آن چیزی است که در شبکه‌های ماهواره‌ای

### نگاه

زهرا حمیدی سوها  
دانشجوی کارشناسی ارشد  
مطالعات زنان  
دانشگاه تربیت مدرس



عید نوروز در تمامی اعصار نمایانگر تمدن اصیل ایرانی بوده است. اما آنچه همه ساله در حال رنگ باختن است نمادهایی است که از این جشن باستانی متبلور است. تازگی و نوشدن از جمله‌ی همین نمادهاست که امروزه به لحاظ مفهومی دچار دگرگونی شده است. در گذشته‌ای نه چندان دور همین که افراد بهترین و اتو کشیده‌ترین لباس خود را در لحظه‌ی تحویل سال بر تن می‌کردند کفایت می‌کرد اما این پاکیزگی به تدریج جای خود به خرید لباس‌های نو آن هم به نحوی الزامی نمود و سپس در گذاری دیگر تبدیل به مدگرایی گشت. مد در تعریف آماری خویش به معنای گروه و یا داده‌ایست که بیشترین فراوانی را دارد. اما در معنای جامعه‌شناسی به الگوهای در جامعه گفته می‌شود که نمایانگر رفتار، بدهای مهم فرهنگی و هنجارهای است. لذا مد آن هنگام که با خاستگاه‌های فرهنگی ما برابری کند لزوماً بار منفی ندارد و تنها زمانی نگران کننده خواهد بود که میان آرمان‌های یک جامعه و مدی که در آن مرسوم گشته است شکاف زیادی مشاهده شود؛ شبیه به مسئله‌ای که امروزه با آن مواجه هستیم: جامعه‌ای اسلامی با پوششی نامتعارف. اگر چه که این مسئله در میان بانوان حائز اهمیت بیشتری است اما این مهم دلیلی برای بیرون ماندن مردان از این دایره‌ی معیوب نیست. اما پرسش اصلی اینجاست که این پوشش نامناسب به چه علت در میان برخی از جوانان امروزی ما مرسوم گشته است؟ پاسخ روانشناسانه به این پرسش می‌تواند این باشد که برخی اوقات افراد به دلیل تفکرانی که دارند نوع خاصی

## هنر؛ انسان که متعالی‌ست



هنر بی‌درد را رسوا نمودند.

(پی نوشت)

۱. با استناد از منشور تجدید اهل هنر. مقالات سید شهیدان اهل قلم
۲. سخن امام با هنرمندان. ۱۳۶۷/۷/۹

تنها در چارچوب مکتب‌شان به حیات جاویدان رسیده‌اند و هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع مقدس مان اینگونه بوده‌اند تا به ملا اعلی شتافتند و برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند و در راه پیروزی اسلام عزیز تمام مدعیان

به این باور راسخ می‌کشاند که جنگ ممکن است باشد یا نباشد اما مبارزه تمامی ندارد. همان‌طور که در بیان حضرت امام، هنر، امانت دار مبارزه با دشمنان دین است. بنابراین هنر اسلامی و هنرمند مسلمان از اینکه زیبایی را تنها در قالب و ظرف هنر ببیند فراتر می‌رود و به باطن و محتوای آن می‌نگرد که با تعهد همراه است و به دیده یک امانت الهی به آن نگاه می‌شود. در پایان به قسمتی از سخنان امام خمینی که بیان کننده رسالت هنر اسلامی است نظری می‌افکنیم: «هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله بار مسئولیت و امانت‌شان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردم‌شان بدون اتکا به غیر و تنها و

می‌شود و القا کردن مفهوم زیبایی و خوبی است. او هنر را با حقیقت و فطرت انسانی هماهنگ می‌بیند و هنر دینی را هنری معرفی می‌کند که در ذیل دین محقق شده و مذهب را همچون کار خود برگزیده است و به همین خاطر است که هنر را با مبارزه بیگانه نمی‌بیند و به دستور امامش که فرمود: تنها به هنری باید پرداخت که راه مبارزه با جهان خواران را بیاموزد، تکلیفش را ادا می‌کند. به عبارت بهتر می‌توان گفت هنر اسلامی باید روح دردمندی انسان را به نمایش بگذارد و یک هنرمند مسلمان یک انسان دردمند مبارز است که می‌خواهد با هنرش، این دردمندی را نمایش دهد و همین است که او را

### یادداشت

محبوبه پارسا

کارشناسی ارشد فلسفه



میدان مین عارضه‌ای نیست که خواب من و تو را آشفته کرده باشد. جمله‌ای که یادآور روایت فتح و شهید «مرتضی آوینی» است و از کسانی می‌گوید و می‌نویسد که نشانی از خستگی نیافتند و از ننگ تعلقات رهانیده شدند. هنرمندی که رسالت حقیقی هنر اسلامی را در آثارش به ما شناساند یعنی متوجه ساختن از طبیعت به سوی عالم بالا. این همان است که به واقع در هنر اسلامی متجلی گشته است. هنری که در آن زیبایی در پرتو خوبی معرفی



روابط شهروندی، بلوغ شهروندی

# جامعه ایده آل مهدوی



صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام) در برابر نیرنگ معاویه است؛ به ویژه با توجه به دلالت خطبه ۵ نهج البلاغه که تشکیل حکومت عدل در میان مردم نابالغ را به کشت و زرع در زمین دیگران تشبیه می‌نماید.<sup>۲</sup> عرصه فرهنگی جامعه حق مدار، عرصه مشارکت آگاهانه مردم است؛ زیرا پایداری این جامعه در گرو حمایت و خواست اعضای آن است؛ از این رو حکومت حق مدار، کارگزاران و والیان خود را موظف می‌سازد که مردم را آگاه ساخته، اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل اوضاع را در اختیار آنان قرار دهند.<sup>۳</sup> از این روست که لازم است برای رسیدن به چشم انداز جامعه مهدوی، مردم را از طریق روابط سالم شهروندی آگاه ساخت و بلوغ دینی و سیاسی آنان را افزایش داد تا این مردم آگاه، خواهان رسیدن به چشم انداز مهدوی شده و برای آن تلاش نمایند.

(پی نوشت)

1- Bourgon, Jocelyne (2007), ((Responsive, responsible and respected government: towards a New Public Administration theory)), International Review of Administrative Sciences, VOL37

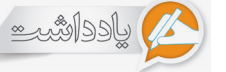
۲- (ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۵)

۳- پورعزت، علی اصغر؛ (۱۳۸۱) «مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی (ع)»، شرکت انتشارات علمی فرهنگی

در واقع حکومت‌ها می‌توانند با تدوین برنامه‌ای جامع و منسجم از این مجاری برای آگاه سازی مردم استفاده کنند. در نهایت می‌توان گفت که افزایش آگاهی مردم، امروزه یکی از بهترین راه‌ها برای بهبود حکومت‌هاست از این رو حکومت‌ها از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و... به دنبال افزایش آگاهی و به تبع آن افزایش روحیهی مطالبه گری مردم هستند چرا که هر حکومت بدون وجود یاران صالح و عامه بالغ شکل نمی‌گیرد و مستقر نمی‌شود. شاهد این ادعا سکوت ۵۲ ساله امام علی (علیه السلام) در برابر جریان سقیفه و

مهدوی آشنا شوند، مسلماً این ارتباط شهروندی سبب افزایش بلوغ شهروندی و به تبع آن سبب ایجاد جامعه‌ای ایده آل خواهد شد. برای آگاه سازی مردم، از طریق ایجاد ارتباطات بین شهروندی و تسهیل مجاری‌هایی که شهروندان از طریق آن با یکدیگر ارتباط داشته باشند، راه حل‌های زیادی پیشنهاد شده است مانند آگاه سازی مردم از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی مجازی مانند فیسبوک، وایبر، گوگل پلاس و...؛ از هر یک از این مجاری می‌توان برای افزایش بلوغ و آگاهی شهروندان از طریق برقراری روابط شهروندی استفاده کرد،

تشویق مردم به ایجاد روابط سالم شهروندی؛ هم شهروندان و هم دولتی بالغ تربیت کنند. در واقع حکومت‌ها می‌توانند با ایجاد فضاهایی برای برقراری روابط شهروندی مانند ایجاد شبکه‌هایی که از طریق آن شهروندان بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، شهروندان را به یکدیگر نزدیک تر و آگاهی و بلوغ آنها را افزایش دهند. به عنوان مثال فضایی را تصور کنید که در آن شهروندان در مورد آرزوها و ایده آل‌های خود در مورد حکومت صحبت کرده و با ایده آل‌های حکومت مانند؛ حکومت شریف و ارزشمند نبوی و



فاطمه رحمانی

دانشجوی دکترین مدیریت -

سیاستگذاری بخش عمومی

دانشگاه تربیت مدرس



تحقق هر جامعه ایده آل در گرو داشتن یاران صالحی است که از بلوغ کافی برخوردار باشند چرا که رسیدن به ایده آل‌ها استقامت و تلاشی بالغانه و آگاهانه می‌طلبد؛ به عبارت بهتر می‌توان گفت که، رسیدن به چشم انداز جامعه ایده آل مهدوی که ادامه جامعه ایده آل نبوی و علوی است، مستلزم داشتن ملتی آگاه و بالغ است، ملتی که بداند ایده آل چیست؟ و برای آن تلاش کند و استقامت ورزد، لذا آگاه ساختن مردم و بالغ کردن آنها مهم‌ترین گام برای رسیدن به چشم انداز ایده آل است؛ یکی از راه‌های افزایش بلوغ شهروندی، روابط سالم شهروندی می‌باشد؛ چرا که هر چه شهروندان یک جامعه در بستری ارزشمند و هدفمند با یکدیگر تعامل و ارتباط داشته باشند؛ شناخت بهتری از جامعه ایده آل خواهند داشت، برای رسیدن به چنین جامعه‌ای تلاش خواهند کرد، و ساخت چنین جامعه‌ای را نیز، از حکومت‌های خود خواستار می‌شوند. حکومت‌ها می‌توانند از طریق

## ارتباطات انسانی



است. اینکه شما بتوانید در خصوص خودتان مثبت اندیش باشید یعنی توانمندی خود را بیشتر از نقاط ضعف‌تان در نظر بگیرید، باعث خواهد شد در خصوص دیگران نیز این احساس را اشاعه داده، و در صدد برقراری و حفظ ارتباط با دیگران باشید. برابری، عامل بسیار مهم دیگری است که در ارتباط، موثر است. تساوی یا برابری یعنی سعی در پررنگ‌تر کردن نقاط مشترک بین خود و طرف مقابل، به جای در نظر گرفتن نقاط متفاوت. به عنوان مثال وقتی شما می‌خواهید با یک کارگردان ارتباط برقرار کنید باید بتوانید زبان حرفه‌ای او را درک و طبق زبان خاص او پیش روید. اینکه شما بتوانید اختلاف در سن، سطح تحصیلات، حرفه و... را در ارتباط در نظر نگیرید و فقط به نقاط مشترک فکر کنید و سعی کنید بر اساس آنها ارتباط برقرار و حفظ نمایید، نشان از توانایی شما در برقراری تساوی و ایجاد ارتباط اثربخش دارد. برای اینکار حتی از نظر ظاهری هم می‌توان تساوی را ایجاد و حفظ نمود. اینکه مثلاً اگر شما قرار است با فردی که هنرمند است ارتباط برقرار کنید بسیار مهم است که بتوانید از نظر ظاهری هم با او هماهنگ شده و جنبه‌های ظاهری یک هنرمند را در نظر داشته باشید. بنابراین برای برقراری و حفظ ارتباط اثربخش می‌توان تمرین و تلاش کرد.

فرد مقابل قرار داده و تجربه او را برای خود فرض کند، نشان از همدلی اوست. در خصوص مثال قبل، اگر شما به محض شنیدن مصیبت هم‌کلاسی خود، به همراه او شروع به گریه کردن کنید، یعنی دقیقاً خود را در وضعیت او قرار داده و با او همدلی کرده‌اید. حمایت‌گری دیگر عامل مهم در ارتباط اثربخش است. منظور از حمایت‌گری تلاش در جهت ایجاد فضای اعتماد در ارتباط است. اگر فردی بفرماید در ارتباط با شما قرار است مورد هجمه قرار خواهد گرفت، هرگز به ارتباط با شما ادامه نخواهد داد. ولی اگر در ارتباط با شما احساس کند از طرف شما مورد اطمینان و حمایت قرار خواهد گرفت، فرایند ارتباط را ادامه خواهد داد. مثبت اندیشی، یکی دیگر از عوامل مهم در ارتباط اثربخش است. مثبت اندیشی، هم در خصوص خود و هم در خصوص دیگران بسیار با اهمیت

در حال سپری شدن است. در زندگی دانشجویی، در زندگی شخصی، در زندگی سازمانی و... همواره مجبور به برقراری ارتباط با دیگران هستیم. مخصوصاً در ایام عید نوروز بیشتر وقتمان در همین خصوص صرف خواهد شد. عاطفه را فقط می‌توان از طریق ارتباط با طرف مقابل انتقال داد. بیشتر منازعات به دلیل عدم ارتباط صحیح با فرد مقابل شکل می‌گیرند. بیشتر آسیب‌های اجتماعی و فردی به دلیل عدم ارتباط صحیح ایجاد می‌شوند. اینکه بتوانیم این ارتباط‌ها را طوری مدیریت کنیم که بیشترین منفعت را ببریم؛ بسیار حائز اهمیت است. از دیدگاه اندیشمندان چندین عامل در ارتباط اثربخش اهمیت دارند. یکی از کلیدهای ارتباط اثربخش، گوشودگی است. به عنوان مثال وقتی هم‌کلاسی شما در خصوص موضوعی سوال می‌کند، اگر شما با شور و اشتیاق پاسخ او را بدهید، نشان از اشتیاق شما برای

توانایی برقراری ارتباط یکی از مهم‌ترین برتری‌های انسان نسبت به دیگر موجودات است. این توانایی در برخی بیشتر و در برخی کمتر دیده می‌شود. اما بیشتر دانشمندان معتقد هستند که می‌توان توانایی ارتباط را آموخت، بنابراین ارتباط قابل یادگیری است. شاید شما هم در اطراف خود انسان‌هایی را سراغ دارید که با توانمندی در برقراری ارتباط توانسته‌اند در زندگی اجتماعی و فردی خود موفقیت‌های زیادی را کسب کنند. این یک قانون کلی است: افرادی که در برقراری ارتباط با دیگران مهارت خاصی دارند، معمولاً در زندگی خود موفقیت‌های بیشتری نسبت به بقیه کسب خواهند کرد. در یک تقسیم‌بندی انواع ارتباط را به صورت ارتباط با خود، ارتباط با دیگران، ارتباط با ماوراء الطبیعه و ارتباط با محیط تقسیم‌بندی می‌کنند. در این نوشتار بیشتر بر ارتباط با دیگران متمرکز خواهیم شد. برخی معتقدند تا ۵۷ درصد از وقت ما در ارتباط با دیگران



امیرصادقی

دانشجوی دکترین

مدیریت بازاریابی بین الملل

دانشگاه تربیت مدرس







کلمه‌ای است سه حرفی! معمولاً در تمام خانه‌ها وجود دارد، و افراد را دور هم جمع می‌کند. پاسخ را بعد از بیان مطلب زیر خواهیم گفت:

”مکاتب مختلف دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص تعامل افراد با یکدیگر و شکل‌گیری هویت بیان داشته، و در اینکه آیا فرد اصالت دارد یا، به نظریه واحدی نرسیده‌اند. دو دیدگاه ”فردگرایی“ و ”جمع‌گرایی“ به ترتیب تابع ارزش‌های فردی و جمعی هستند. فردگرایی به این معناست که جامعه بر محور فرد می‌چرخد، و بر اهمیت فرد و استقلال و آزادی او تأکید دارد. در مقابل، نظریه ”جمع‌گرایی“ پیوندهای میان اعضای یک گروه اجتماعی را تشویق کرده، و نفع اجتماعی را بر نفع فردی مقدم می‌داند. تجربه نظام‌های مختلف ثابت کرده که هر دو دیدگاه می‌توانند ضربه سهمگینی به روابط، هویت، فرهنگ و قوانین یک جامعه وارد سازند. زیرا هر کدام به تنهایی، باعث ایجاد اختلالاتی در انسان می‌شوند. با این حال اسلام دیدگاهی تلفیقی دارد، و از هر دو نظریه دفاع می‌کند. به طوری که حتی در عبادات نیز مشاهده می‌کنیم برخی از آنها به صورت انفرادی و برخی به صورت جمعی هستند، و این نشان دهنده نگاه ظریف اسلام به هر دو بُعد وجودی انسان است.



## یک فنجان چای داغ!

روابط اعضای خانواده بیفزایند؟ و آنها را برای دقایقی دور هم جمع نمایند؟ پاسخ ”چای“ است. بله، چای! درست کردن و خوردن چای یکی از ساده‌ترین کارهایی است که در بیشتر مواقع افراد زیادی را دور هم نشانده، و با گرما و حرارت خود، لذت در کنار هم بودن را به آنها می‌چشاند. قطعاً نمونه‌های ساده دیگری نیز وجود دارند که اگر مورد توجه قرار گیرند، کانون خانواده را گرم‌تر می‌کنند. برای غلبه بر درونگرایی ناشی از فضاهای مجازی و در عین حال حضور در آن، می‌توان در محتوای پیام‌هایی که در این فضاها رد و بدل می‌شوند، اعضای خانواده را نیز سهیم کرد. پس هر کس باید بنا به نوع زندگی خود به دنبال بهانه‌ای برای جمع کردن اعضای خانواده باشد، تا از آثار حضور در جمع بهره‌مند گردد.

در دنیای کنونی فضاهای مجازی به نوعی عاملی برای تقویت فردگرایی در جوامع شده‌اند. استفاده از فضاهای مجازی علیرغم ارتباط اجتماعی گسترده، معضلاتی را برای خانواده‌ها ایجاد کرده است؛ به طور مثال حریم (بیش از حد) خصوصی آن، اعتماد اعضای خانواده را سلب کرده، سوءظن‌ها را برانگیخته، و سبب اضطراب و افسردگی شده است. از طرف دیگر ارتباط کلامی در دنیای مجازی جایگزین ارتباط کلامی در دنیای واقعی شده، و این امر سبب دوری افراد واقعی از یکدیگر شده است. به طوری که در محیط خانواده نمی‌توان صمیمیت و روابط گرم گذشته را مشاهده کرد، و حتی گاهی هیچ گفتگویی بین اعضا رد و بدل نمی‌شود. حال به آن کلمه سه حرفی فکر کنید. چه چیزهایی می‌توانند بر حفظ

انسان به ارتباط عمیق و نه سطحی با اعضای خانواده، دوستان و اقوام نیازی است که اگر مورد توجه قرار نگیرد، مشکلات شخصیتی و اجتماعی زیادی را به دنبال خواهد داشت. اگر روابط با افراد مختلف را به حسب نوع ارتباط به چند سطح تقسیم کنیم، سطح اول اختصاص پیدا می‌کند به ارتباط فرد با اعضای خانواده و افرادی که با آنها زیر یک سقف زندگی می‌کنند. سطح دوم شامل فامیل، همسایه و دوست، و سطح سوم افراد یک جامعه را در بر می‌گیرد. هر چند که تکنولوژی روابط اجتماعی افراد را در سطح سوم یا چهارم ترقی داده، اما سطح اول مورد غفلت واقع شده، و سطح دوم نیز به حد مطلوب خود نرسیده است. بنابراین باید به فکر بازسازی و احیاء این روابط بود.

با توجه به دیدگاه ترکیبی اسلام و پیامدهای مثبت آن می‌توان گفت، انسان باید علاوه بر حفظ حریم فردی خود، برای به دست آوردن روابط اجتماعی مناسب با افراد مختلف تلاش نماید. اما گاهی این تلاش نتیجه معکوس داشته، و در حالی که فرد فکر می‌کند در تعامل با دیگران است، ناخودآگاه به سمت دنیایی پر از تنهایی قدم بر می‌دارد. در چند قرن اخیر زندگی شهرنشینی، معماری‌های مدرن، فناوری و تکنولوژی بر فردیت افراد افزوده، و به تدریج در آینده شاهد کاهش جمع‌گرایی مخصوصاً در کشورمان خواهیم بود. انسان به عنوان جانشین خداوند بر روی زمین باید بتواند در تمام مسائل مدیریت و کنترل داشته، و با توجه به نیازهای خود آنها را اصلاح نماید. نیاز

## سفری باید رفت!



رحیمه زرگر (رها)

کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه



از همون روزی که قرار شد چند روز تعطیلی رو بریم کاشان خونه‌ی عمه پوری، عمو خسرو بنای ناسازگاری گذاشت. هی رفت و اومد که الا و لله من باید جلو بشینم و گرنه حالم بهم می‌خوره!

مامانم همش به بابا غر میزد که اگه همون پراید قراضه رو به خاطر بی‌فکری‌های بابا نفروخته بودیم، الان مجبور نبودیم منت ماشین آقاچون و سرجه‌های بردن عمو رو بکشیم! بابای بیچاره هم طبق معمول فقط از جلوی پیشونی تا فرق سرش قرمز می‌شد و هیچی نمی‌گفت!

من توی عالم بچگی به این حرف‌ها کاری نداشتم و فقط خوشحال بودم که می‌خوایم بریم سفر.

خانم جون که تا همین چند روز پیش نا نداشت دو قدم راه بره و قرص‌هاش رو از توی آشپزخونه بیاره، چنان پاهاش قوت گرفته بود که ظرف کمتر از یک ساعت چمدونش رو بست و خوشحال و خندون، چادر

بابا با لب و لوجه آویزون رفت تا در حیاط رو باز کنه. عمو خسرو هنوز راه نیفتاده بودیم، تق و تق تخمه می‌شکوند و پوستاش رو از شیشه می‌ریخت کف حیاط.

مامان یه ریز غر میزد که: ای بابا! ظهر شد. پس چرا راه نمی‌افتیم؟! مردیم از گرما. و خانوم جون وسط این هیر و ویری، از مینا می‌پرسید: مادر جون اذان شده؟ اگر ظهر شده نماز رو بخونیم، بعد راه بیافتیم!

من پشت به بقیه روبروی شیشه عقب نشسته بودم که یهو دیدم بابا مثل پسر بچه‌ها، خوشحال و خندون بپر بپر کنان داره از ته حیاط میاد. بچه‌ها بیایید ببینید کی اومده؟! مامان با غیظ پیاده شد و در رو محکم کوبید به هم. تا اومد یه چیزی بگه، عمه پوری و بچه‌هاش رو دید که چمدون به دست وسط حیاط وایساده بودن!

مامان با خوشحالی وصف ناپذیری دوید و عمه رو سفت بغل کرد و چنان ماچ آبداری کرد که تا بحال هیچ عروسی از خواهر شوهر نکرده بود! و این چنین بود که سفر چند روزه ما به کاشان، به بیرون حیاط نرسیده، تموم شد!

خنزر و پنزر بود، توی پیکان استیشن آقا جون جا دادن و به اصطلاح آماده رفتن شدیم. عمو خسرو سریع پرید و رفت جلو نشست و خانوم جون و مینا و مامان هم ردیف دوم نشستن. برای من بیچاره هم که از همه کوچیکتر بودم، توی اتاقک عقب استیشن، بین وسیله‌ها یه جا باز کردن!

خانوم جون هم هی به بابا می‌گفت: پرویز مادر، اون توالت فرنگی منو هم بزار اون بالا! شاید بین راه احتیاج بشه. بابا مونده بود این وسط از تیره‌های پی در پی نگاه مامان جا خالی بده یا اوامر خانوم جون رو اجرا کنه. خلاصه یک ساعتی طول کشید تا عمو و بابا، هر چی چمدون و بقیچه و

و چاق چور کرد و نشست تو ایوون که ننه من حاضرم! عمو خسرو هم انگار می‌خواست بره سفر قندهار؛ تا چمدون بزرگ برداشته بود که یکی شون زیش خراب بود و با یه طناب زهوار در رفته دورش رو بسته بود. تازه اصرار هم داشت این چمدونای قراضه‌اش رو بزاره روی باربند!



## محبت سوسک‌ها گل می‌کند



در خانه‌ی ارواح بسر می‌برم سریعاً از طبقه‌ای که هیچ اطلاعیه و هشدار و روی آن نصب نشده بود خارج شدم و از وحشت به اتاق خود مراجعه کردم و به بیهوشی خود ادامه دادم.

بعد از به هوش آمدن متوجه شدم آن بزرگواران خانه به دوش ساکن در نمازخانه سوسک و ساس زده و واحد مسکونی‌شان سمپاشی شده است؟! بعد از چند روز که ماجرا به پایان رسید و ما به نمازخانه ورود کردیم از وضعیت موجود پی بردیم که مثل اینکه این مساله حل شده و دیگر مساله‌ای برای عبادات خالصانه و نماز جماعت‌های باشکوه و لبریز از جمعیت ما نیست که البته زهی خیال باطل، این شادمانی ما چند روزی بیشتر طول نکشد که مجدداً با صحنه‌ی انباشت وسایل زندگی و مشقات آن نظیر شست و شو و گردگیری و چهره‌هایی در هم کشیده روبرو شدیم.

مثل اینکه فصل تابستان زمان خوبی برای اینجور آینده نگری‌ها برای دانشجویان آواره نیست که به فکر باشند. باز هم از این ماجرا نیز بگذریم. هیجان ماجرا زمانی بیشتر می‌شود که چند روزی قبل از تعطیلات خود گردان دانشجویان محترم در لابی خوابگاه کنار آسانسور، داخل آسانسور و در واحدها با این هشدار روبرو می‌شویم.

و در بین هم خوابگاهیان این زمزمه رد و بدل می‌شود که نفر اول: قبل از رفتن تمام وسایلتو جمع کن قراره سم پاشی کنن. نفر دوم: وای!!! جدی میگی؟ آخه چرا؟ کی حال داره وقتی برگشتیم همه رو بشوریم؟! نفر اول: مَث اینکه می‌خوان سم پاشی کنن تا دیگه مشکلی پیش نیاد خدای نکره مثل اونایی که ترم اول آواره بودن بشیم خوبه؟ خوشتر میاد؟ اون که

بدرت.

نفر دوم: نه اینکه اونا با یه مرحله سمپاشی وضع و اوضاعشون روبراه شد. یک هفته هم دووم نیارود سم هاشون که

ما هم مَث اونا ...

ولی یک مساله‌ای شدیداً فکر امثال مارا درگیر کرده است.

اگر قرار است که همه‌ی واحدها سمپاشی شوند و حالت آماده باش به ما دانشجویان در حال و هوای عید داده‌اند پس چرا باید به نکته‌ی مهم این اطلاعیه عمل شود؟ و فقط شماره‌های واحدهایی که مشکل دارند به مسئول خوابگاه داده شود؟

البته شاید هم آن سمی که سوسک‌ها را می‌کشد روی ساس‌ها اثر ندارد!

بعد از به هوش آمدن متوجه شدم آن بزرگواران خانه به دوش ساکن در نمازخانه سوسک و ساس زده و واحد مسکونی‌شان سمپاشی شده است؟! بعد از چند روز که ماجرا به پایان رسید و ما به نمازخانه ورود کردیم از وضعیت موجود پی بردیم که مثل اینکه این مساله حل شده و دیگر مساله‌ای برای عبادات خالصانه و نماز جماعت‌های باشکوه و لبریز از جمعیت ما نیست که البته زهی خیال باطل، این شادمانی ما چند روزی بیشتر طول نکشد

بعد از چند روز که ماجرا به پایان رسید و ما به نمازخانه ورود کردیم از وضعیت موجود پی بردیم که مثل اینکه این مساله حل شده و دیگر مساله‌ای برای عبادات خالصانه و نماز جماعت‌های باشکوه و لبریز از جمعیت ما نیست که البته زهی خیال باطل، این شادمانی ما چند روزی بیشتر طول نکشد

### پادداشته

#### شادی نوری

دانشجوی کارشناسی ارشد پترولوژی دانشگاه تربیت مدرس



سوسک‌ها رفیق قدیمی گرمابه و گلستان خانواده‌های ایرانی سالهاست که با ما و زندگی ما اجین شده‌اند و دقیقاً نمی‌دانم دل کندن خانواده‌ها از سوسک‌ها یا سوسک‌ها از خانه و خانواده‌ها سخت شده و تقریباً با هم به توافق رسیده‌اند که با هم زندگی مسالمت آمیزی را همراه با نهایتاً یک سلاح نظیر دمپایی سپری کنند.

اما مثل اینکه محبت سوسک‌ها به زندگی‌های دانشجویی بیشتر گل کرده است هر چند که نه دانشجویان تک سرنشین در خوابگاه یک خانواده هستند و

### ما دانشجویان خوابگاهی

دانشگاه تربیت مدرس از این قاعده و قانون زندگی نیز بی‌بهره نبوده‌ایم و زمان‌هایی را علاوه بر مشکلات خاص دانشجویی به تفکر و اقدام در مورد روش‌های زندگی با این موجودات گذرانده‌ایم.

گاهی از کنار آنها عبور می‌کنیم بدون اینکه به آنها توجه کنیم گاهی به یک فریاد اکتفا کرده‌ایم و گاهی هم کمی ترسیده‌ایم و البته اغلب مکان‌های رفت و آمد آنها را از رفت و آمد خودمان جدا کرده‌ایم و صد البته گاهی اتاق و حتی خوابگاه خود را بخاطر این موجودات ترک و تعویض نیز کرده‌ایم.

## کلید

در واقع اگر هر فرد در زندگی احساس رشد و شکوفایی و پیشرفت روزافزون نداشته باشد رفته رفته در دامان ناامیدی جان می‌سپارد و گر چه نفس می‌کشد و دارای علائم حیاتی است ولی روح و روان او از طراوت زندگی بی‌بهره است.

قطره‌های حیات تنها از ابر کرامت زنده‌ی مطلق بر کویر خشک جان‌های خسته می‌بارد و این میسر نیست مگر با قدم گذاشتن در مسیر بندگی‌اش... در این مسیر گام‌های ما کلیدهایی خواهند شد که درب‌های آسایش مادی و آرامش معنوی را برای ما می‌گشایند کلیدهایی از جنس ...

بهبشت را جست و جو می‌کردم و آن را در سخاوت یافتم  
علاقه به مرگ را می‌خواستم و آن را در تقدیم مال در راه خدا یافتم  
به دنبال جلاوت در عبادت بودم آن

در ترک معصیت یافتم  
در جست و جوی رقت قلب بودم آن را در گرسنگی و تشنگی یافتم  
خواستار نور قلب بودم آن را در تفکر و گریه یافتم  
خواهان نور چهره بودم آن را در نماز شب یافتم  
در پی تصمیم جدی در امور زندگی بودم آن را در صبر و بردباری یافتم  
دوستدار عبور بر صراط بودم آن را در صدقه یافتم  
شرف و بزرگی را طلب می‌کردم آن را در زهد یافتم  
انس را طلب می‌کردم آن را در قرائت قرآن یافتم  
در پی کسب فضیلت جهاد بودم آن را در تلاش در زندگی برای خانواده یافتم  
در پی عزت بودم آن را در صداقت یافتم



که این کلیدها را تنها از دستان مهربان کلیددار عالم بگیریم و مستغرق در دریای محبت او به حیات ابدی برسیم.

(پیوست)

۱- قسمت هایی از کتاب شیوه های رشد و شکوفایی در زندگی اثر دکتر احمد لقمانی

۲- همان

به دنبال هم سخنی با مردم بودم آن را در حُسن خلق یافتم  
رضایت خداوند را جست و جو می‌کردم آن را در نیکی به والدین یافتم  
و کلیدهای بی‌شمار دیگری که جنس بندگی دارند ولی زندگی بخش و امیدآفرین هستند و شایسته است

### پادداشته

#### فروزان نیک‌ناد

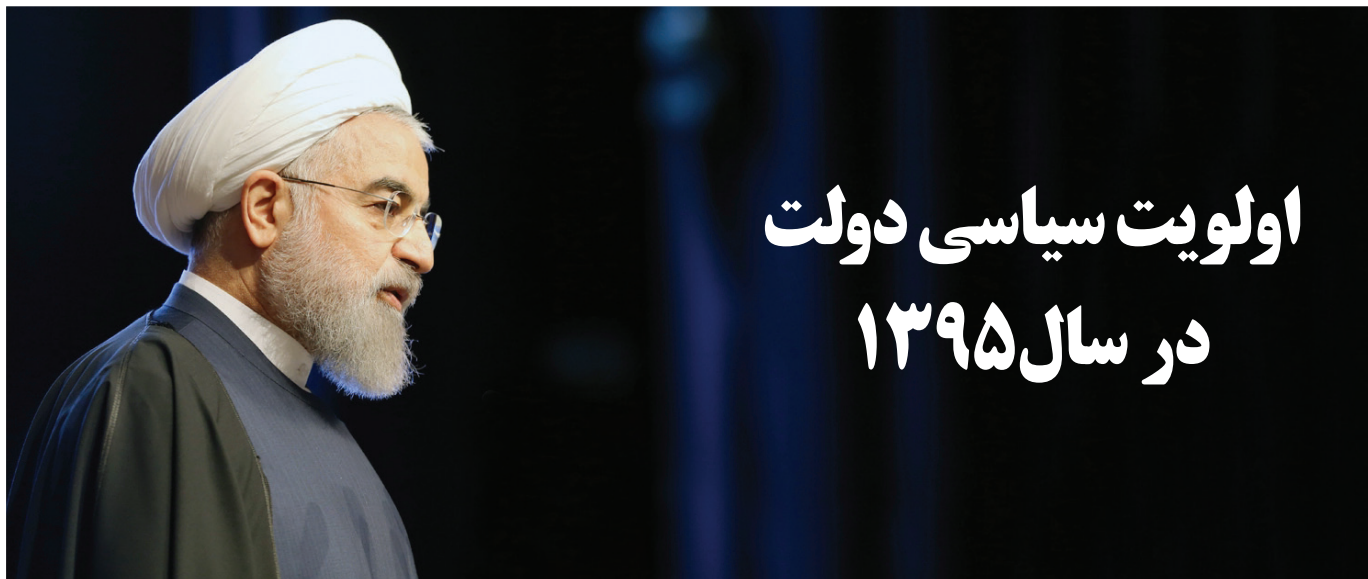
دانشجوی کارشناسی ارشد بیوشیمی دانشگاه تربیت مدرس



زندگی در اندیشه‌ی دینی مزرعه‌ی آخرت و خاستگاه کمال اخروی است. گروهی به غلط دین را "زندگی ستیز" می‌دانند و گروهی به اشتباه زندگی پرست می‌شوند و ممکن است آنانی که از تفکر زندگی ستیزی فاصله می‌گیرند به دامان زندگی پرستی درافتند. دین نه زندگی ستیز است و نه زندگی پرست بلکه زندگی را بستر تکامل و مقدمه‌ی آخرت می‌داند...

عبارات فوق برگرفته از کتاب هنر رضایت از زندگی - به قلم عباس پسندیده - است و بیانگر این موضوع که رضایت‌مندی در بستر روان زندگی عنصر کلیدی در رسیدن به تکامل معنوی است.





# اولویت سیاسی دولت در سال ۱۳۹۵



حبیب رضازاده

دبیر اتحادیه انجمن‌های علمی -  
دانشجویی علوم سیاسی ایران  
دانشگاه تربیت مدرس



دولت‌ها به معنای علمی در سیاست و در این یادداشت به معنای قوه مجریه برای خود اولویت‌هایی دارند که مهم‌ترین آنها همانا حفظ خود است؛ تعجب نکنید چرا که دولت‌ها را نیز افراد انسانی تشکیل می‌دهند و لذا هیچ دولتی خواهان نابودی خویش نیست. حال برای این ماندگاری (با توجه به اینکه قوه مجریه در ایران دوره‌ای و انتخابی می‌باشد و سال ۱۳۹۶ انتخابات دوره دوازدهم ریاست جمهوری به عنوان رئیس قوه مجریه برگزار خواهد شد) اولویت سیاسی دولت یازدهم چه می‌تواند باشد؟

شاید برخی در اولویت‌گذاری سیاسی سال آینده مسائل گوناگونی را مطرح کرده و اعلام نمایند که در صورت تمرکز دولت بر روی این مسائل سیاسی، دولت دوازدهم نیز همانا دولت یازدهم خواهد بود. اما مدعی این یادداشت در برشمردن اولویت سیاسی دولت یازدهم در سال ۹۵ امری اقتصادی است؛ شاید برخی خرده بگیرند که پس می‌بایست عنوان یادداشت نیز اولویت اقتصادی می‌گردید و نه اولویت سیاسی. در نگاه اول شاید این خرده درست باشد اما چه کسی می‌تواند مدعی جدایی سیاست از اقتصاد و یا بالعکس اقتصاد از سیاست گردد؟

کافی است به میزان آرای شخص رئیس جمهور در استان تهران در انتخابات اخیر خبرگان و همانا مقایسه آن با میزان آرای ایشان در استان تهران در یازدهمین دوره ریاست جمهوری

رجوع کرد تا متوجه اولویت سیاسی دولت یازدهم در سال ۹۵ گردید. جناب آقای روحانی در قامت کاندیدای ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۲ در استان تهران موفق به کسب ۲۳۸۵۸۹۰ رأی و در قامت کاندیدای مجلس خبرگان در سال ۱۳۹۴ (با توجه به اینکه بیش از دو سال نیز رئیس جمهور می‌باشند) موفق به کسب ۲۲۳۸۱۶۶ رأی گردید و فرد سوم در انتخابات خبرگان در استان تهران گردید! آری در ظاهر حدود ۱۵۰ هزار رأی کاهش داشته اما در واقع اگر موضوع مقام ریاست جمهوری ایشان را با این کاهش آرا مورد ملاحظه قرار دهیم متوجه می‌شویم که این کاهش آرا معنایی بیش از صرف عدد ۱۵۰ هزار رأی دارد.

در بررسی چرایی این کاهش آرا می‌توان علل مختلفی را مورد توجه قرار داد اما مهم‌ترین علت همانا وضعیت اقتصادی کشور است که به‌رغم متوقف شدن روند افزایش تورم سال‌های پیش و ایجاد فضای امیدواری به آینده در سایه فرجام شیرین برجام؛ انتظارات رای دهندگان از بهبود وضعیت اقتصادی برآورده نشده و از همین رو این کاهش آرا بهترین نشانه‌ی برای اولویت سیاسی سال ۹۵ دولت است. یادمان باشد مهم‌ترین اولویت هر دولتی همانا ماندگاری خویش است و لذا دولت یازدهم باید مهم‌ترین اولویت سیاسی سال ۹۵ خود را بهبود بیشتر وضعیت اقتصادی کشور قرار دهد

ریاست جمهوری در خرداد سال ۱۳۹۶ مهم‌ترین اولویت سیاسی دولت یازدهم در سال ۱۳۹۵ همانا بهبود وضعیت اقتصادی کشور و جامعه است. بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت مردم بسترهای لازم برای اقدامات سیاسی بعدی دولت را فراهم خواهد آورد، اگر نخواهیم شیفته‌ی تئوری راه دموکراسی از توسعه اقتصادی می‌گذرد، گردیم؛ اما باید باور داشته باشیم که طبق هرم مازلو نیز معیشت به مراتب اولی‌تر از فرهنگ و سیاست است و این مهم در انتخابات، آن‌هم در دوره‌ای که وضعیت اقتصادی چندان مطلوب نباشد، بسیار مهم است. نگاهی به انتخابات سال ۹۲ ریاست جمهوری می‌تواند تأییدی بر این ادعا باشد؛ چرا که رأی آقای روحانی بیش از آنکه نتیجه‌ی نوید سیاسی ایشان باشد؛ نتیجه‌ی نوید بهبود فضای اقتصاد و معیشت مردم است و ریزش آرای ایشان در انتخابات اخیر خبرگان، یک پیام مهم دارد و آن اینکه «امروزه مردم، بیش از هر چیز دیگری، درآمدشان را جدی می‌گیرند» با توجه به در پیش بودن انتخابات

یادمان باشد مهم‌ترین اولویت هر دولتی همانا ماندگاری خویش است و لذا دولت یازدهم باید مهم‌ترین اولویت سیاسی سال ۹۵ خود را بهبود بیشتر وضعیت اقتصادی کشور قرار دهد و از همین رو این کاهش آرا بهترین نشانه‌ی برای اولویت سیاسی سال ۹۵ دولت است. یادمان باشد مهم‌ترین اولویت هر دولتی همانا ماندگاری خویش است و لذا دولت یازدهم باید مهم‌ترین اولویت سیاسی سال ۹۵ خود را بهبود بیشتر وضعیت اقتصادی کشور قرار دهد

که با ننگ هیروشیما و ناکازاکی پایان یافت)، اکنون نماد عدالت خواهی و عدالت گستری شده. در سوی مقابل اسلامی که آیه آیه‌اش از مهر و برادری است نماد خشونت. نتیجه می‌گیریم غرب باید کلاهش را قاضی کند، اما اگر نکرد ما باید چراغی روشن کنیم.

است که در آن با ترسیم نقشه‌هایی از خاورمیانه‌ی جدید روبرو هستیم. آیا این طرح خواست مردم این منطقه است؟ آنچه واقعیت امروز جهان است، ساخت و برساخت نمادهاست. اگر نماد تولید نکنیم، کوتاهی در ساخت، باعث برساخت‌هایی دروغین خواهد شد. برای مثال اگر دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشگاه مولود انقلاب اسلامی و دانشگاه تراز انقلاب اسلامی نمادسازی نگردد، آن زمان دیگرانی برای آن نمادهایی برخوانند ساخت. اگر تصویری درست از مسلمانان ارائه ندهیم آن زمان چنان تصویری از ما ارائه خواهند داد. خلاصه‌ی کلام آنکه تمام آنچه بیان شد تکه‌هایی از یک پازل هستند. اگر درست کنار هم چیده شوند مشخص می‌شود که چرا تصویر جهان اسلام می‌شود کاریکاتور مذکور و رسالت غرب می‌شود متن سخنان بوش. غربی که در جنگ‌های صلیبی گناهکاری جنگجویان را عامل شکست می‌دانست و کودکان را راهی جنگ می‌کرد (که پیش از رسیدن به میدان نبرد همه از بیماری و ناتوانی هلاک شدند). غربی که دامن آلوده فجایع جنگ‌های جهانی است (ننگی

ابزارهای تکنولوژیک به سمت ناکجا آباد ممکن است بروند و از سوی دیگر با آگاهی موجی می‌شوند از مقاومت و بیداری. موجی که بدون شک جهان غرب را وادار به تسلیم خواهد کرد. حال کاریکاتور را به یاد آوریم. حال در سوی دیگر سخنرانی جورج بوش در مراسم تحلیف دومین دوره ریاست جمهوری‌اش را به یاد بیاوریم: «با تلاش‌های ما، آتش در افکار مردم روشن می‌شود، این آتش؛ کسانی را که قدرت آن را درک کنند، گرم می‌کند و کسانی را که با پیشرفت مبارزه می‌کنند، می‌سوزاند و یک روز آتش آزادی به تاریک‌ترین زوایای جهان ما خواهد رسید. هدف ما کمک به دیگران برای یافتن و بلند کردن صدای خودشان است، اینکه آزادی خودشان را به دست آورند و سرنوشت‌شان را خودشان به دست گیرند». دقت کرده‌ایم که نمادهای غربی چه نقشی را ایفا می‌کنند؟ آهنگ ونجلیس را همه شنیده‌ایم. این آهنگ ورود به قاره‌ی آمریکا را به مانند یک حماسه نشان می‌دهد. آیا آمریکا کشف شد؟ آیا ورود به آن یک حماسه بود؟ مورد دیگر فیلم‌های سینمایی هالیوودی

بعد به همه گفتند ببینید تروریسم در کجا است! اما واقعیت آن است که نخ‌ها و دست‌های عروسک گردانان این خیمه شب‌بازی پنهان نمی‌تواند بماند. بدون تردید آگاهی بهترین راه مبارزه با استعمار است. تاکنون با افزایش هر سطح از آگاهی در شرق، سطحی جدید از استعمار غربی طرح شده و حال زمان آن رسیده تا مشکل را برای همیشه حل کنیم. مبارزه منفی در هند، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بیداری اسلامی جهان اسلام و مواردی از این دست باعث شدند تا اندیشه‌ی استعمار ناچار پیچیده‌تر گردد. انقلاب اسلامی نقطه‌ی تحولی در جریان تحولات جهان شد و بیداری اسلامی باعث شد تا غرب تلاشی جدید را آغاز کند. جهان اسلام نایبست بیدار می‌شد. اکنون نیز برنامه‌ها همه معطوف بر یک امر گردیده و آن: تغییر مسیر به سمتی که غرب می‌خواهد. اگر مخاطب اصلی و ابزار استعمار کهنه، حکام و سیاستمداران بودند، مخاطبان اصلی استعمار فرانو مردم هستند. مردمی که از یک سو با انواع

ادامه از صفحه ۶

جهان باید به یک شکل باشند و آن شکلی است که سردمداران سیاسی آمریکا تجویز می‌کنند. دانشگاه به دلیل اهمیت بالایش از نقاط تمرکز غرب بوده و هست. دانشجوی مساوی است با استعداد و انرژی و همین امر دانشگاه را تبدیل می‌کند به یک فرصت. سوالی که اکنون پیش می‌آید این است ما چقدر می‌توانیم قدر این فرصت را بدانیم و تا چه حد دیگران از این فرصت بهره می‌برند؟ جنگ‌های جهانی را به یاد بیاوریم. این جنگ‌ها تکرار تاریخ بی‌خردی بشر بود. اما نباید این نکته در کارنامه‌ی غرب باقی بماند. می‌بایست آنچه رفتار غیرانسانی نامیده می‌شود به گروه دیگری اطلاق می‌شود. غرب دریافت که آنچه نقطه ضعف است می‌بایست نه از ما که برای دیگری باشد. پس به قولی؛ توپ بی‌خردی را به زمین مسلمانان انداختند. طی سال‌ها شرق شناسی و تالیف و تحقیق با غرض، به دروغ ثابت کردند شرق، سرزمین افسانه‌ها و خرافه‌ها است. سپس گروه‌های تروریستی را با برنامه‌های بلند مدت ایجاد کردند و





دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس  
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع  
سردبیر: مرتضی فاضلی  
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی  
دبیر تحریریه: سیامک شادکام  
گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله  
مجرى طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیا مهر معرفت

## با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.  
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.  
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.



# به دنبال یک لقمه حلال هستم



حسن شهبازی

چند وقتی بود عملکرد یکی از نیروهای خدماتی دانشگاه توجه من رو به خودش جلب کرد، توی هوای بسیار سرد و بارانی یک پلاستیک بزرگ روی سرش می‌گرفت و محوطه دانشگاه راه تمیز می‌کرد، شدت برف و باران برایش مهم نبود انجام وظیفه و مسئولیت‌پذیری برایش اهمیت داشت. همیشه قبل از اینکه دانشجویان سلام کنند با لحنی بسیار پرانرژی و شادی بخش، سلام و صبح بخیر می‌گوید. در نماز جماعت حضور دارد و شعارهای انقلاب با تمام وجود سر می‌دهد. در دفاع از ولایت و رهبری جدی و پایبند است در عین حال که همچنان داغ محرومیت در سینه دارد. خلاصه اینکه یک روز داشتم به خوابگاه می‌رفتم که ایشان گفت: آگه زحمتی نیست مقداری آب آشامیدن برابم بیار، وقتی آب برایشان آوردم سوالی از ایشان پرسیدم که چرا صبر نمی‌کنید تا شدت باران کمتر شود بعد محوطه را نظافت کنی ایشان در جواب من گفت باران نعمت خداست و این باران وظیفه‌ای دارد و من هم وظیفه‌ای، من باید پول حلال روی سفره خانواده‌ام ببرم... این شد که تصمیم گرفتم با ایشان مصاحبه‌ای داشته باشم.



## لطفا خودتان را معرفی کنید؟

عباسعلی بیگی ریزی هستم، نیروی خدماتی دانشگاه تربیت مدرس، متولد ۱۳۴۰ و ساکن شهرری. دو فرزند دارم که هر دو کنیز حضرت زهرا (سلام الله علیها) هستند. دختر بزرگم فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی می‌باشد که بخاطر مشکلات مالی که داریم و جبران وام‌هایی که برای تحصیلش در دانشگاه آزاد اسلامی گرفته بود الان جویای کار است دختر دوم هم دبیرستانی است.

## وظیفه اصلی شما به عنوان نیروی خدماتی در دانشگاه تربیت مدرس چیست؟

ما نیروی خدماتی برای نظافت محوطه دانشگاه هستیم. کل محوطه دانشگاه بین ۱۰-۸ نفر تقسیم می‌شود که باید هر نفر آن محوطه مشخص را نظافت کند. من همیشه از ساعت ۴:۳۰ بیدار می‌شوم نماز می‌خوانم، صبحانه و داروهایم را می‌خورم و ساعت ۶ از خانه با سرویس به دانشگاه می‌آم. از ۷:۱۵ کارم رو شروع می‌کنم تا ساعت ۱۱:۴۵. بعد تا ساعت ۱۳ میرم نماز جماعت و نهار و سپس تا ساعت ۱۴:۳۰ دقیقه دوباره به نظافت محوطه می‌پردازم و با سرویس دوباره به خانه برمی‌گردم. هر روز این رویه تکرار می‌شود.

## از شغل‌تان راضی هستید؟ دوست‌تان را در این شغل می‌پسندید؟

بله. به فرمایش پیامبر (صلی الله علیه وآله): النظافه و من الايمان. در ضمن که کارم را انجام می‌دهم وقتی نون خشک، مفاتیح، احادیث، عکس‌های شخصیت‌های دینی و مذهبی و ... را می‌بینم رعایت می‌کنم و در محل مناسب قرار می‌دهم. مثلاً چند روز پیش یک عکس از یکی از رهبران شیعه افغانی که با امام (ره) ارتباط داشت و خیلی دانا و شجاع بود را دیدم برداشتم تمیز کردم و در جای مناسبی قرار دادم.

## وضعیت حقوقی شما چه طور است؟

مبلغ دریافتی من با مزایا حدود ۹۵۰ هزار تومان می‌باشد چون توانایی اضافه کار ندارم ۶۰۰-۵۰۰ هزار تومان کمتر از بقیه می‌گیرم. البته پایه حقوقی ما حدود ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان هستش که ۷۰۰ هزار تومان به ما می‌دهند و بقیه رو به شرکت می‌دهند. برای نهار هم نصفش (ماهانه ۳۷ هزار تومان) به ما و نصف دیگر رو به شرکت می‌دهند. لذا ما باید یا با خودمان نهار بیاریم یا باید به صورت آزاد به قیمت حدود ۵ هزار تومان بگیریم.

## سابقه خدمت شما چقدر است؟

حدود ۲۷ سال سابقه خدمت دارم که ۱۴ سال از خدمتم را در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم و حدود ۱۳ سال آن

را در دانشگاه تربیت مدرس گذرانده‌ام. **با توجه به سابقه کار شما و مشکلات جسمانی که برایتان اتفاق افتاده است آیا برای بازنشسته شدن یا تخفیف در انجام وظایف محوله به شما اقداماتی انجام شده یا می‌شود؟**

از نظر بازنشستگی که باید ۳۰ سال سابقه خدمت داشته باشیم ولی اگر کسی در زمان انجام وظیفه بیمار شود یا حادثه ببیند، می‌تواند از کارافتادگی بگیرد. شرایط از کارافتادگی هم به این صورت است که پایه حقوقی ما الان ۷۰۰ هزار تومان می‌باشد اگر بخوام از کارافتادگی بگیرم طبق ضوابطی که وجود دارد به خاطر آن حدود ۴ سال باقی مانده تا بازنشستگی، پایه حقوقی من را کم می‌کنند و تقریباً ۵۰۰ هزار تومان به من ثابت می‌دهند و هیچ مزایایی هم نمی‌دهند. با توجه به اینکه مستاجر هستم این حقوق کفاف دخل و خرج زندگی‌م رو نمی‌دهد. از نظر نظافت محوطه دانشگاه هیچ تفاوتی بین ما نیروها نیست و حتی اگر نیروی کمکی هم بخوام به من نمی‌دهند و فقط برای جابجایی وسایل (گروه ضربت) هم باید باشم ولی چون آسیب دیدم آرتروز و مشکل قلبی پیدا کردم و عمل باز انجام دادم لذا با آوردن گواهی پزشکی از انجام کارهای سنگین معاف شدم.

## علی‌رغم همه این مشکلاتی که عنوان کردید در سرما، باران، برف و گرما همیشه دیدیم به موقع می‌آید و به موقع می‌روید چی باعث این تعهد و مسئولیت‌پذیری شما می‌شود؟

از قدیم گفتن گندم از گندم روید و جو ز جو، یعنی خانواده وقتی فرزند را تربیت می‌کنند می‌گن که باید کارت را انجام بدهی، کوتاهی نکنی، کارشکنی نکنی، خیانت نکنی. ایناهمون جملاتی هستش که پدر و مادر مرحومم به ما می‌گفتند. والدین ما را اینجور بار آوردند که باید نون و روزی حلال رو سفره خانواده ببریم. به فرمایش پیامبر (صلی الله علیه وآله) کسی که با رنج و زحمت و دست پینه بسته و عرق جوبین لقمه حلال دریاورد در آتش دوزخ نمی‌سوزد، خیلی ثواب و برکت دارد تا افراد خانواده رو به تعالی و معنویت برونند، راه کج و خطا نروند. به خاطر این ویژگی‌ها در هر شرایطی وظیفه خودمون رو انجام می‌دهیم و فرزندان خودم را هم به همین شکل دارم تربیت می‌کنم و بار می‌آورم.

## همیشه هم نماز جماعت می‌روید؟

اینها یک عمل فطری و ذاتی است ما همیشه در حال مسجد ساختن و نماز جماعت رفتن بودیم. اصفهانی‌های مقیم شهرری وقتی داشتند مسجد حضرت ابوالفضل (علیه السلام) را بنا می‌کردند پدر مرحومم سه چهار تا از پنج فرزند

مگر اینکه در قانون برای افرادی مثل شما که در حین خدمت آسیب دیدید تغییری ایجاد شود و شرایط کاری شما را تغییر و تحول بدهد. مثلاً الان با حقوق زیر یک میلیون که من می‌گیرم و شرایط تورم و ... واقعاً نمی‌شود زندگی کرد کارت دعوت عروسی برام میاد چون کرایه ماشین و هزینه هدیه را ندارم نمی‌تونم برم.

## بهترین خاطراتان از دانشگاه چه بوده؟

از این ۱۳ سال که در دانشگاه بودم ۵ سال متولی و خادم مسجد بودم اون زمان بهترین زمان خدمت من بود. یه دانشجوی بسیجی که مشهدی و بچه مذهبی، مومن بود. خیلی به من لطف داشت و می‌گفت من مثل شما ندیدم. از طرف دانشگاه در همان دوران به مشهد مقدس و راهیان نور رفتم جایزه هم به من دادند. در همین دوران شهدای گمنام را به دانشگاه آوردند که من ۱۰ شبانه روز برای مراسم خاکسپاری شهدای گمنام در مسجد بودم. با این مشکلات جسمی که برابم پیش آمد دیگر توانایی متولی مسجد بودن را ندارم.

## از دست کسی هم ناراحت هستید؟

من از بی‌عدالتی و بی‌انصافی ناراحت می‌شوم حالا هر کسی باشد.

## اگر قرار باشد یکی دو نفر را از اساتید، دانشجویان، همکاران و ... را به عنوان بهترین انتخاب کنی چه کسانی را انتخاب می‌کنی؟

به نظر من طبق گفته خداوند و ائمه اطهار بهترین افراد باقوانترین افراد است و بعد خیرین و کسانی که دست افراد ضعیف را بگیرند. ان شاء... که در این دانشگاه باشند که هستند.

خودش را به بنا داد و گفت این چهار بچه من هستند برای اینکه می‌خواهم بیشتر ثواب ببرند بیشتر از شون کار بکش و بعد از ظهر روز اول اومد پیش بنا و گفت خوب کار کردند یا نه؟ بنا هم گفت بچه‌های شما حتی از کارگرهای خودم هم بیشتر کار می‌کردند. ما کلا تو این خطاها بودیم و در زمان جنگ تحمیلی هم همه با هم داوطلبانه به جبهه رفتیم که ۵ سال و نیم سابقه جبهه دارم. البته من دنبال سابقه جبهه خودم نرفتم و اقدامی نکردم.

## رابطه شما و دانشجویان چگونه است؟

خیلی رابطه صمیمانه‌ای با بچه‌ها دارم. یکی از مهمترین احکام دینی ما امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و طبقه بندی هم نکرده که چه گروهی را می‌توانی یا نمی‌توانی امر به معروف اومده شرایطش را داشته باشم با ادبیات خاصی که تاثیر داشته باشد دانشجویان را امر به معروف کرده‌ام و وظیفه خودم می‌دانستم و نسبت به این مسائل بی‌تفاوت نباشم. برخورد دانشجویان هم بسیار منطقی بوده است. در حیطة وظایف و نظافت محوطه دانشگاه هم دانشجویان اذیت نمی‌کنند و خیلی فهیم و منطقی هستند.

## از مسئولین دانشگاه در مورد مشکلات‌تان و دیگر همکاران‌تان چه انتظاری دارید؟

مسئولین مجری قوانین هستند و می‌گویند طبق قانون کار شما شرکتی هستید و این شرایط و ضوابط را پذیرفته‌اید و کاری از دست ما برنمی‌آید